

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهما السلام
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.
لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده است.

نماز و عبادت امام حسین علیه السلام

نویسنده: عباس عزیزی

پیشگفتار

حسین کیست؟

ثار الله کیست؟

نفس مطمئنہ کیست؟

امام حسین علیہ السلام کنار بدن عباس چه دید و چه کرد و چه گفت؟

امام حسین علیہ السلام کنار بدن فرزندش علی اکبر چه دید و چه کرد و چه کسی را صدا زد؟

امام حسین علیہ السلام وقتی علی اصغر در دستش بود و تیر سه شعبه به او زدند چه حالی به او دست داد؟

امام حسین علیہ السلام چرا جنگ را یک شب به تاخیر انداخت؟

امام حسین علیہ السلام چرا نمازش را در مقابل تیرهای دشمن اقامه کرد؟

حسین علیہ السلام در لحظه آخر چه ذکری گفت؟

امام حسین علیہ السلام با اهل حرم وداع نمود چه ذکری را گفت؟

امام حسین علیہ السلام تیری به پیشانی مبارکش خورد، آن تیر را بیرون کشید و خون بر چهره اش جاری شد، در آن موقع چه دعایی خواند؟

امام حسین علیہ السلام وقتی که تیر سه شعبه به قلب مبارکش خورد چه ذکری خواند؟

امام حسین علیہ السلام در ظهر عاشورا، برای یاد آورنده وقت نماز چه دعایی کرد؟

امام حسین علیہ السلام هنگامی که دشمن گفت: به خیمه ها حمله کنید، چه حالی به او دست داد و چه گفت؟

امام حسین علیہ السلام مگر جگر گوشه فاطمه نبود، پس چرا بدنش را قطعه قطعه کرده و زیر سم اسبان قرار دادند؟

امام حسین علیه السلام عاشق رخسار معبود است.
امام حسین علیه السلام روح طاعات و عبادات است.
امام حسین علیه السلام نور صحرای قیامت است.
امام حسین علیه السلام فیض دائم روح قرآن است.
امام حسین علیه السلام سبب گریه هر مومن است.
امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در اوج جنگ و دشواری ها یک لحظه از یاد خدا غافل نبود.

امام حسین علیه السلام روز عاشورا پیوسته و مداوم مشغول ذکر لا حول و لا قوه الا بالله بود.
امام حسین علیه السلام بنده خالص خدا بود.
امام حسین علیه السلام به خاطر نماز شهید شد.
امام حسین علیه السلام در صبح عاشورا وقتی سپاه دشمن به سوی او می آید آن طور دعا کرد: «اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتَبِي فِي كُلِّ كَرْبٍ، خدایا! در هر گرفتاری تو تکیه گاه منی.»
تیری که در ظهر عاشورا بر قلب حسین علیه السلام اصابت نمود، و خون ثار الله را بر زمین ریخت، در واقع در روز سقیفه رها شده بود و در عاشورا به هدف نشست.
امام حسین علیه السلام شهید می شود و خداوند هفتاد هزار فرشته را که ژولیده و غبار آلودند بر قبر حسین علیه السلام گماشته تا روز قیامت بر او گریه می کنند و کنار قبرش نماز می خوانند یک نماز آنان مساوی هزار نماز مردم است، ثواب و اجر آن نماز برای زائر قبر حسین علیه السلام است.

امام زمان فرمود به جای اشک خون می گیریم.
امیدوارم خداوند ما را نیز مشمول شفاعت حسین علیه السلام و مشمول دعایی که در ظهر عاشورا آن حضرت به یکی از اصحابش فرمود: جعلک الله من المصلین قرار دهد.

زمستان 1380

حوزه علمیه قم - عباس عزیزی

گزیده ای از زندگانی امام حسین علیه السلام

نام: حسین

القاب معروف: سید الشهداء، ثارالله

کنیه: ابو عبدالله

نام پدر و مادر: علی علیه السلام - فاطمه علیها السلام

وقت و محل تولد: سوم شعبان سال چهارم هجرت در مدینه

دوران امامت: یازده سال (از سال 50 تا 61 ه ق)

خلفای غاصب در زمان آن حضرت: معاویه و یزید

وقت و محل شهادت: در روز عاشورا سال 61 هجری در کربلا در سن 57 سالگی به شهادت رسید.

مرقد شریفش: شهر کربلا در کشور عراق است.

دوران زندگی آن حضرت را می توان به چهار بخش تقسیم کرد:

- 1- ملازمت با پیامبر صلی الله علیه و آله (حدود شش سال)
- 2- دوران ملازمت با پدر و برادرش امام حسن علیه السلام (حدود 40 سال)
- 3- دوران امامت (یازده سال)
- 4- نهضت جاودانی و عظیم امام حسین علیه السلام که مهمترین حادثه تاریخ است.
 - 1- پرچمدار امام حسین علیه السلام ابوالفضل العباس بود.
 - 2- موذن امام حسین علیه السلام حجاج بن مسروق بود.
 - 3- به علت هجرت امام حسین علیه السلام «امام» اطلاع حاصل کرد که جمعی از افراد یزید به نام حج برای ترور و قتل امام حسین علیه السلام به سوی مکه گسیل شده اند و ماموریت دارند با سلاحی که در زیر لباس احرام پوشیده اند در ماه حرام و در کنار کعبه فرزند پیامبر را به قتل برسانند و بدین جهت امام حج تمتع را به عمره مفرده تبدیل فرمود و

هشتم ذیحجه رهسپار عراق شد و فرمود: برای رعایت حرمت خانه خدا مکه را ترک می کنم.

4- سفیر امام حسین علیه السلام به کوفه فرستاده شد مسلم بن عقیل بود.

5- مردم کوفه حدود 150 نامه دعوت برای امام حسین علیه السلام ارسال کرده بودند.

6- در زمان دعوت مردم کوفه از امام حسین علیه السلام 18 هزار نفر با حضرت مسلم بیعت کردند.

7- پسران مسلم ابراهیم و محمد بودند که محمد بزرگ تر از ابراهیم بوده و هر دو کمتر از ده سال سن داشتند.

8- سه عامل اساس قیام امام حسین علیه السلام:

الف: یزید از امام حسین علیه السلام بیعت می خواست امام شدیداً در مقابل این درخواست ایستادگی کرد.

ب: دعوت مردم کوفه.

ج: عامل اصلی امر به معروف و نهی از منکر

9- قبر امام حسین علیه السلام شش گوشه دارد چون جنازه حضرت علی اکبر در کنار پدرش امام حسین دفن شده است.

10- زیارت ناحیه مقدسه: زیارتی است که از حضرت ولی عصر علیه السلام نقل شده و در این زیارت شریف حضرت اسامی همه شهدای کربلا را با اسم و رسم ذکر فرموده و بر آنان درود فرستاده و نام قاتلین هر کدام را نیز برده و بر آنان لعنت فرستاده است.

11- اسب امام حسین علیه السلام ذوالجناح نام دارد.

12- پیکر مطهر امام حسین علیه السلام توسط امام سجاد علیه السلام شناسایی و دفن شد.

13- اولین زائر قبر امام حسین علیه السلام بعد از شهادت امام حسین علیه السلام جابر بن عبدالله انصاری بود.

فصل اول: جلوه نماز از ولادت تا کربلا

1- اذان و اقامه در گوش امام حسین علیه السلام

از اسماء بنت عمیس نقل شده: حسین علیه السلام بعد از گذشت یک سال از ولادت برادرش حسن علیه السلام دیده به جهان گشود. پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه زهرا علیها السلام آمد و به من فرمود: «پسرم را نزد من بیاور.»

من حسین علیه السلام را که در قنடைه سفیدی بود، به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله بردم. پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدار چهره علیه السلام شاد و خندان شده، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت. سپس حسین علیه السلام را به دامن گرفت و گریه کرد. عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا! چرا گریه می کنی؟ فرمود: گریه ام به خاطر مصائبی است که بعد از من به این نوزاد وارد می شود. به زودی گروه ستمگر او را می کشند و خداوند آن گروه را مشمول شفاعت من نخواهد کرد.

2- هزار رکعت نماز

آن حضرت به عبادت بسیار علاقه مند بودند، به طور مثال شخصی خطاب به حضرت سجاد علیه السلام عرض کرد: یابن رسول الله! چرا پدرت امام حسین علیه السلام کم اولاد است؟ حضرت فرمودند: تعجب می کنم که من چگونه متولد شده ام، زیرا پدرم امام حسین علیه السلام در هر شب و روزی هزار رکعت نماز به جای می آورد. ⁽¹⁾

3- وضوی امام حسین علیه السلام

«كان الحسين بن علي عليه السلام اذا توضأ تغير لونه و ارتعدت مفاصله فقیل له فی ذلك، فقال: حق لمن وقف بین یدی الملك الجبار ان یصفر لونه و ترتعد مفاصله»؛
امام حسین علیه السلام وقتی وضو می گرفت رنگش پریده و پاهایش می لرزید.
علت این کار را پرسیدند فرمود: سزاوار است برای کسی که در مقابل خدای با جبروت ایستاده رنگش زرد شود و پاهایش بلرزد. ⁽²⁾

4- سنت هفت بار تکبیر

صدوق رحمه و الله از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: حسین علیه السلام دیر به سخن آمد تا آنجا که بیم می رفت نکند حرف نزند و بی سخن باشد. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله برای نماز بیرون آمد در حالی که حسین علیه السلام را بر شانه خود نهاده بود، مردم (برای نماز) پشت سر حضرت صلی الله علیه و آله صف بستند و حضرت صلی الله علیه و آله او را در طرف راست خود بر زمین گذارد و تکبیر نماز گفت، پس حسین علیه السلام (نیز) تکبیر گفت، چون رسول خدا صلی الله علیه و آله تکبیر حسین علیه السلام را شنید تکبیر را دوباره فرمود و حسین نیز (به پیروی از رسول خدا) هفت بار تکبیر گفت. بدینگونه سنت هفت بار تکبیر گفتن (در ابتدای نماز) آغاز شد.

5- نماز در یک لباس

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام پرسید: جهت نماز گزاردن مرد چه مقدار لباس کفایت می کند؟

حضرت علیه السلام فرمود: «امام حسین علیه السلام در یک قطعه لباس که از نیمه ساق پا بالاتر و نزدیک زانوها بود و بر دوش حضرت علیه السلام جز به مقدار دو بال پرستو نداشت نماز گزارد و وقتی رکوع می نمود از شانه هایش می افتاد و سجده می کرد بر گردن حضرت می رسید، پس آن را با دست بر شانه هایش خود بر می گرداند، این گونه بود تا از نماز فارغ شد.»

امام باقر علیه السلام فرمود: «برای من نقل نمود که کسی که امام حسین علیه السلام را در حالی دیده است که در یک جامه نماز می گزارد، و امام حسین علیه السلام برای او نقل نموده که: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیده است که در یک لباس نماز می خواند.»⁽³⁾

6- عبور از جلوی نماز گزار

ضیف از امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام از امام سجاد علیه السلام نقل می کند که فرمود: «امام حسین علیه السلام نماز می خواند، مردی از جلوی او عبور کرد، یکی از یاران حضرت علیه السلام او را از این کار بازداشت. چون حضرت علیه السلام از نماز فارغ شد، پرسید: چرا او را نهی نمودی؟

عرض کرد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله! میان شما و محراب آشفته‌گی پدید می آورد. فرمود: وای بر! تو خدای متعال به من نزدیک تر از آن است که کسی میان من و او آشفته‌گی ایجاد کند.»⁽⁴⁾

7- رکوع و سجده طولانی

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

جدم حسین علیه السلام رکوع و سجودش طولانی بود.⁽⁵⁾

8- تغییر رنگ صورت امام هنگام وضو

روایت شده که امام حسین علیه السلام هرگاه به نماز می ایستاد رنگ از چهره اش می پرید، از او سوال می شد: این حالت چیست که هنگام وضو در شما پیدا می شود؟ می فرمود: «شما چه می دانید که در پیشگاه چه کسی می خواهم بایستم؟»⁽⁶⁾

9- نماز تقیه

قطب راوندی به سند خود، از امام موسی کاظم علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «امام حسین علیه السلام پشت سر مروان بن حکم (از باب تقیه) نماز می گزاردند. پس به یکی از آن دو بزرگوار عرض شد: آیا پدر شما وقتی به منزل برمی گشت نماز را اعاده نمی کرد؟ فرمود: نه به خدا سوگند، او به همان یک نماز اکتفا می کرد.»⁽⁷⁾

10- سفارش اهل بیت به نماز

علی بن ابراهیم، از امام باقر علیه السلام نقل می کند درباره فرموده خدای سبحان: «خانواده خود را به نماز امر کن و خود نیز سخت بر آن پایدار باش.» فرمود: در آن به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان ابلاغ ویژه به اهل بیتش را داده است نه عموم مردم را، تا به همه مردم اعلام شود که اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله، در نزد خدا منزلتی ویژه دارند که برای دیگر مردمان نیست، زیرا خدای سبحان به آنان (جهت اقامه نماز)، هم فرمان عمومی همراه با همه مردم داده، هم فرمان خصوصی.

پس از نزول این آیه، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هر روز، وقت نماز صبح به در خانه علی علیه السلام می آمد و می فرمود: «سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد»، پس (اهل بیت یعنی) علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام (در پاسخ) اظهار می داشتند: «و سلام و رحمت و برکات خدا (نیز) بر شما باد ای پیامبر خدا.»

سپس حضرت ﷺ دو طرف چهار چوبه در را گرفته می فرمود: «نماز، نماز، خدا شما را رحمت کند»، «همانا خدا چنین می خواهد که هر گونه آلودگی را از شما خاندان نبوت ببرد و شما را (از هر ناخالصی) پاک گرداند.»

پس حضرت ﷺ، زمانی که در مدینه حضور داشت، هر روز صبح پیوسته این کار را انجام می داد تا اینکه از دنیا رفت. ابوالحمرء خادم پیامبر ﷺ می گوید: من شهادت می دهم که هر روز پیامبر ﷺ این عمل را انجام می داد.

در کتاب «موده القربی» از انس بن مالک و از زید بن علی بن الحسین علیه السلام از پدرش امام سجاد علیه السلام از جدش علیه السلام نقل می کند که فرمود: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از نزول آیه شریفه **(وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا)** «و اهل بیت خود را به نماز فرمان ده و خود نیز بر آن سخت پایدار باش» به مدت نه ماه هر روز هنگام نماز صبح، به در خانه فاطمه علیها السلام می آمد و می فرمود: نماز ای اهل بیت نبوت! «همانا خدا می خواهد که از شما خاندان هرگونه آلودگی را ببرد و شما را منزله گرداند» و این حدیث را سیصد نفر از صحابه نقل کرده اند.

زید بن علی از پدرش امام سجاد از جدش علیه السلام نقل می کند که فرمود: «روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خانه ام سلمه بود. فرنی خدمت حضرت آوردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را فرا خواند و از آن خوردند.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را در پوشش عبایی خیبری قرار داد و این آیه شریفه را تلاوت فرمود:

انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا.
ام سلمه اظهار داشت: ای رسول خدا! آیا من هم از اهل بیت نبوتم؟
حضرت فرمود: تو (از آنان نیستی اما) رو به سوی خیر داری. ⁽⁸⁾

11- تسلیم در برابر خدا

مفضل بن عمر، از امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام از امام سجاد علیه السلام نقل می کند که فرمود: از امام حسین علیه السلام پرسیدند: چگونه صبح کردی؟ فرمود: «صبح نمودم در حالی که پروردگارم، بالای سرم و آتش، پیش رویم، مرگ، جوینده ام و حساب الهی فراگیرم می باشد، و چنین روزی من، در گرو کردار خویشم، نه آنچه دوست دارم پیدا می کنم، و نه آنچه نمی پسندم از خود می رانم. توان هیچ یک را ندارم و همه کارها در اختیار دیگری است، اگر بخواهد عذابم می کند و اگر بخواهد از من می گذرد. بنابر این، کدام فقیری از من نیازمندتر است؟⁽⁹⁾!

12- طواف و نماز پس از نماز عصر

عمار بن معاویه از ابو سعید نقل کرده که گفت: «حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را دیدم که با امام (جماعت) نماز عصر را خواندند سپس نزد حجر الاسود آمده آن را استلام کردند، سپس هفت بار طواف کردند و دو رکعت نماز خواندند.» مردم (که ایشان را شناختند) گفتند: اینان فرزندان دختر رسول خدایند. پس مردم آنان را در (هجوم و) فشار قرار دادند تا جایی که نتوانستند حرکت کنند، همراه ایشان یک مرد رکابی بود. حسین علیه السلام دست رکابی را گرفته به کمک او مردم را از امام حسین علیه السلام دور کرد او امام حسن علیه السلام را بسیار احترام می کرد و ایشان را ندیدم که بر رکن نزد حجر از جانب حجر بگذرند مگر که آن را استلام می کردند. راوی گوید: به ابو سعید گفتم: شاید برخی از هفت طواف - که با نماز قطع شده - مانده بوده است.

گفت: نه بلکه هفت بار کامل طواف کردند.⁽¹⁰⁾

13 - انفاق بعد از نماز

مردی اعرابی وارد مدینه شد و از کریم ترین مردم سوال کرد، امام حسین را به او معرفی کردند، وارد مسجد شد و آن بزرگوار را در حال نماز یافت، پشت سر آن بزرگوار ایستاد و این شعر را خواند:

لَمْ يَخِبِ الْآنَ مَنْ رَجَاكَ وَمَنْ حَرَّكَ مِنْ دُونِ بَابِكَ الْحَلَقَةَ
أَنْتَ جَوَادٌ وَأَنْتَ مُعْتَمِدٌ أَبُوكَ قَدْ كَانَ قَاتِلَ الْفُسَقَةِ
لَوْ لَا الَّذِي كَانَ مِنْ أَوْلَادِكُمْ كَانَتْ عَلَيْنَا الْجَحِيمُ مُنْطَبِقَةً

آنکه به تو امیدوار شده نا امید نگشته، و کسی که بر در خانه آمده و دق الباب کرده به امید بخشش آمده.

تو بخشنده و مورد اعتمادی، پدرت کشنده فاسقین بود.

اگر هدایت جد و پدرت نبود، آتش جهنم ما را فرا می گرفت.

امام حسین نمازش را سلام داده و به قنبر فرمودند: آیا از مال حجاز چیزی باقی مانده است؟

گفت: بله، چهار هزار دینار باقی مانده است.

فرمودند: آن را بیاور که نیازمند حقیقی آن آمده است.

قنبر دینارها را آورد، امام دو برد خود را از تن در آورده و دینارها را در آن بیچید و دست مبارکشان را از شکاف در خارج کردند، زیرا به خاطر کم بودن دینارها از اعرابی خجالت کشیدند و این شعر را سرودند:

خُذْهَا فَإِنِّي إِلَيْكَ مُعْتَذِرٌ وَإِعْلَمْ بِأَنِّي عَلَيْكَ ذُو شَفَقَةٍ
لَوْ كَانَ فِي سَيْرِنَا الْعِدَاةَ عَصَا أُمْسَتْ سَمَانًا عَلَيْكَ مُنْذَقَةً
لَكِنَّ رَيْبَ الزَّمَانِ ذُو غَيْرٍ وَالْكَفُّ مِنِّي قَلِيلَةُ النَّفَقَةِ

بگیر این مقدار دینار را، من به خاطر کمی آن از عذر می خواهم و بدانکه من نسبت به تو مهربانم.

اگر در آینده وسیله فراهم شد ثروت سرشاری بر تو ریزش خواهد کرد. لیکن مردم زمان بیگانه پرستند و اینک دست ما خالی است. (ریب الزمان، یعنی حیلۀ مردم زمان، منظور این است که مردم به جای اینکه خلافت را به خاندان رسالت بسپارند و خمس و زکاتشان را به ایشان برسانند تا به دست مستحق حقیقی برسانند به غیر مراجعه می کنند.)

اعرابی دینارها را گرفته و های های گریه کرد! امام فرمودند: شاید آنچه عطا کردم به تو، کم است که گریه می کنی؟!

اعرابی گفت: نه، ولیکن گریه من برای این است که چرا این دستهای با سخاوت زیر خاک خواهد رفت. ⁽¹¹⁾

14- روزه امام حسین علیه السلام

صدوق قدس سره با سند خود از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل می کند که فرمود:
ارمغان مرد روزه دار، این است که ریش خود را عطر زند و جامه خویش را بخور دهد
و ارمغان زن روزه دار، این است که سر خود را شانه زند و لباسش را بخور دهد، «هر گاه
امام حسین علیه السلام روزه می گرفت با عطر خود را خوشبو می ساخت و می فرمود: تحفه
روزه دار عطر است.»

عبدالله بن زبیر و یارانش، امام حسین را دعوت نمودند، پس آنان از غذا خوردند و
امام چیزی نخورد، سوال شد: چرا نمی خوری؟
فرمود: روزه دارم، اما تحفه روزه دار بیاورید.
عرض شد: تحفه روزه دار چیست؟
فرمود: روغن (عطر) و بخوردان. ⁽¹²⁾

15- طلب باران

از امام سجاد علیه السلام نقل شده که فرمود: کوفیان نزد امام علی علیه السلام آمده از نیامدن باران شکایت کردند و گفتند: (از خدا) برای ما باران بخواه، امیر مومنان علیه السلام به حسین علیه السلام فرمود: برخیز و از خداوند طلب باران کن!

او برخاسته حمد و ثنای الهی به جای آورده و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستاد و عرض کرد: «بارالها! بخشنده خیرات و نازل کننده برکات! آسمان را بر ما سرشار ببار، و ما را از بارانی بسیار فراگیر، انبوه، پر دامنه، پیوسته ریزان، روان و شکافنده (زمین های خشک و تشنه) - که با آن از بندگانت ناتوانی را برداری و زمین های مرده را زنده سازی - سیراب فرما. آمین ای پروردگار جهانیان.»

او دعای خود را به پایان نبرده بود که ناگهان خداوند باران (سیل آسا) فرستاد. عربی بادیه نشین از برخی نواحی کوفه آمد و گفت: دره ها و تپه ها را پشت سر گذاشتم، در حالی که آب یکی در دیگری (از فراوانی) پیچ و تاب می خورد. ⁽¹³⁾

16- نماز و نفرین بر منافق

مرد منافقی که دشمن اهل بیت عصمت و طهارت بود از دنیا رفت. امام حسین علیه السلام دنبال جنازه اش به راه افتاد، در بین راه غلام خود را دید که در مقام کناره گیری از تشییع جنازه است به او فرمود: کجا می روی؟

عرض کرد: می خواهم از نماز بر این منافق فرار کنم.

امام به او فرمود: بیا کنار من بایست و هر چه می گویم تو هم بگو.

غلام در کنار امام ایستاد، وقتی ولی میت تکبیر گفت امام حسین علیه السلام هم فرمود:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ الْعَنِ فُلَانًا عَبْدَكَ أَلْفَ لَعْنَةٍ مُؤْتَلِفَةٍ غَيْرِ مُخْتَلِفَةٍ اللَّهُمَّ أَخْرِ عَبْدَكَ فِي عِبَادِكَ وَبِلَادِكَ وَأَصْلِهِ حَرَّ نَارِكَ وَأَذْفُهُ أَشَدَّ عَذَابِكَ فَإِنَّهُ كَانَ يَتَوَلَّى أَعْدَاءَكَ وَيُعَادِي أَوْلِيَاءَكَ وَيُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ؛

یعنی خدا بزرگ است. خدایا! فلانی را هزار بار پیوسته لعنت کن بدون اختلاف و فاصله، خدایا! این بنده ات را در میان بندگان و شهرهایت خوار و خفیف کن و آتش دوزخت را نصیب وی گردان و شدیدترین عذابت را به او بچشان که دوستی دشمنانت را پذیرا گشته و به دشمنی دوستانت برخاسته و اهل بیت پیامبرت را دشمن می داشت. ⁽¹⁴⁾»

17- نماز و غسل علی علیه السلام

ابن شهر آشوب با سند خود، از امام سجاد علیه السلام از امام حسین علیه السلام - ضمن خبری بلند - نقل کرده که فرمود: امیر مومنان علیه السلام به حسین فرمود: به شما سفارش می کنم که (چون از دنیا رفتم) کسی را از مرگ من آگاه نکنید.

سپس فرمود: تابوتی را از آن زاویه راست بیرون آورند و در کفنی که پیدا می کنند کفن کنند، هرگاه غسلش دادند در آن تابوت بگذارند و چون جلو تابوت از زمین بلند شد، آنان عقب تابوت را بلند کنند (و هر جا که رفت ببرند) و اینکه حسن علیه السلام یک بار و حسین علیه السلام هم یک بار به عنوان امام بر او نماز گزارند. ⁽¹⁵⁾

18- نماز کنار قبر پیامبر ﷺ

شبی امام حسین علیه السلام از خانه بیرون آمده کنار قبر جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و فرمود: «سلام بر تو باد ای پیامبر خدا! منم حسین فرزند فاطمه، منم فرزند و فرزند و نوه دختری تو در میان بازماندگانی که میان امت خود جا نهادی. ای پیامبر خدا! تو بر آنان گواه باش که مرا تنها گذارده حقم را تباه ساختند و حرمتم را شکستند، این شکوه من است به تو تا (روزی که) تو را دیدار کنم.»

سپس برخاست و به نماز ایستاد، پیوسته در رکوع و سجود بود ⁽¹⁶⁾.

19- دو رکعت نماز کنار قبر پیامبر ﷺ

روایت شده: حضرت امام حسین علیه السلام شبی از خانه اش خارج و رو به سوی قبر جدش نمود، چند رکعت در آنجا نماز گزارد، بعد از نماز فرمود:
خداوندا! این قبر پیامبرت محمد می باشد و من پسر دختر اویم، مشکلی برایم پیش آمده که خود بدان واقفی، پروردگارا! من کار نیک را دوست داشته و کار بد را زشت می شمرم، و من از تو می خواهم، ای دارای جلالت و بزرگواری! به حق این قبر و کسی که در آن است تنها آنچه مورد خشنودی تو و رسالت می باشد را برایم مقدر سازی.

20- نماز جماعت

روایت شده که مردم دسته جمعی نزد امام حسین علیه السلام آمده عرض کردند: یا ابا عبدالله! ای کاش پیش افتاده نماز می گزاردی و آنان در منزل خود فرود می آوردی!
چون موذن (اذان و اقامه) نماز را انجام داد، عمرو بن سعید پیش افتاد و تکبیر نماز را گفت. به امام علیه السلام عرض شد: یا ابا عبدالله! اکنون که نخواستی پیش بیفتی، پس بیرون شو.
فرمود: «نماز را در جماعت خواندن بهتر است». پس نماز گزارد و بیرون رفت. (17)

21- مناجات حضرت کنار مزار خدیجه

روایت شده که آن حضرت همراه انس بن مالک حرکت می کرد، کنار قبر خدیجه آمد و گریست، آنگاه گفت: از من دور شو.

انس گوید: از دید آن حضرت پنهان شدم، هنگامی که انجام نمازش طولانی شد شنیدم که می خواند: پروردگارا! پروردگارا! تو مولای من هستی، رحم کن بنده ای را که به تو پناه برده است و ای دارای صفات برجسته! تکیه ام بر توست، خوشا به حال آنکه تو مولای او باشی. خوشا به حال کسی که خدمتگزار شب زنده دار باشد، و گرفتاریش را با خدای خود در میان گذارد و بیماری و مرضی ندارد بیشتر از محبتش به مولایش هرگاه غصه و ناراحتی اش را مطرح کرد، خداوند او را پاسخ داده و اجابت نماید. هرگاه به گرفتاری مبتلا گردد در تاریکی زاری کنان خدا را بخواند، خدا او را گرامی داشته و به خود نزدیک گرداند.

آنگاه ندا کرده شد: بنده ام بیا در حالی که تو در حمایت من هستی، و هر چه بگویی ما آن را می دانیم. فرشتگانم مشتاق شنیدن صدای تو اند، و کافی است که ما صدای تو را می شنویم. دعای تو نزد من بوده و در حجاب ها در گردش است، و کافی است که ما پوشش را برای تو برمی داریم. اگر باد از جوانب او بوزد، از بیهوشی بر زمین افتد. از من بخواه بدون میل و ترس و حساب، که من خدای توام.

22- عبادت امام حسین علیه السلام از زبان دشمنان

درباره عبادت او مورخان و دانشمندان، مخصوصاً از گروه اهل سنت سخن ها گفته اند و حتی آنها که دشمن اهل بیت بودند در امر عبادت او رای و نظری شگفت انگیز اعلام کردند. ابن اثیر می نویسد:

حسین که خدای او از او راضی باد فردی فاضل متدین و زیاد اهل روزه و نماز و حج و صدقه بود و همه کارهای خوب از او سر می زد.

« كَانَ الْحُسَيْنُ علیه السلام فَاضِلاً، كَثِيرَ الصَّوْمِ، وَالصَّلَاةِ، وَالْحَجِّ، وَالصَّدَقَةِ، وَأَفْعَالِ الْخَيْرِ جَمِيعُهَا »

عبدالله بن زبیر که در واقع، رقیب امام حسین علیه السلام، فردی منافق، مدعی خلافت رسول الله، و دلش لبریز از کینه اهل بیت بود درباره عبادت حسین علیه السلام می گفت: او فردی بسیار شب خیز برای عبادت و بسیار روزه دار در روزها بود. و آن که خبر شهادت او را شنید، شاید از یک نظر خوشحال شد که رقیبی از سر راه او برداشته شد، ولی از طرف دیگر گفت: «به خدا قسم او را کشتند، در حالی که او را شب ها برای عبادت قیامی بس طولانی بود و بسیاری از روزها روزه می داشت.»

« أَمَا وَاللَّهِ قَتَلُوهُ! طَوِيلًا بِاللَّيْلِ قِيَامُهُ، كَثِيرًا فِي النَّهَارِ صِيَامُهُ. »

عقاد، دانشمند و نویسنده متاخر در کتاب خود به نام ابو الشهداء (پدر یا سالار شهیدان) می نویسد: او اهل نماز بود. علاوه بر نمازهای واجب نمازهای مستحبی بسیار می گزارد، زیاد روزه مستحبی می گرفت، همه ساله به حج خانه خدا می رفت مگر که به ناچار از او ترک می شد. و نمونه این سخنان در تاریخ زندگی او زیاد نوشته شده است. (18)

23- همه چیز او عبادت بود

عبادت حسین لحظه ای و بر حسب موقعیت نبود. بلکه تمام لحظات و دم زدن های او عبادت به حساب می آمد، جهاد او عبادت بود، قیام او عبادت بود، خطبه و سخنرانی او عبادت بود، شمشیر زدن او، نصیحت او به دوست و دشمن، صبر او، و تحمل او عبادت بود. آن ساعتی که با خصم می جنگید عبادت می کرد، آن لحظه که خاک افتادن او عبادت بود، و آن جان دادن او در عین صبر و تحمل عبادت بود.

اما در چنان وضع و حالی گویی باز هم آن عبادت را هم کفایت کننده و قابل عرضه نمی دانست. در عین افتادگی و بی رمقی در قتلگاه و لبانش در عین خشکی و تشنگی به ذکر خدا مترنم بود:

«الهی رضا بقضائك، صبرا علی بلائک، تصدیقا لا مرک، لا معبود سواک.»

خدایا! به حکم تو راضیم. بر بالای تو صابرم. و من تو را تصدیق دارم. جز تو معبودی نیست.

24- انس با مسجد

امام حسین علیه السلام در دوران کودکی پای منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله می نشست و هر آنچه را که پیامبر می فرمود، حفظ کرده، در خانه به مادرش فاطمه زهرا علیها السلام باز می گفت. روزی مادر برای حسین صندلی آورد و حسین را بر آن نشاند و فرمود: خوب پسر جان! حالا مثل پدر موعظه کن. او هم آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد فرموده بود را با همان لحن و حالت بازگو کرد. فاطمه روزی شیرین زبانی حسین را برای پدر تعریف کرد و پیامبر را علاقه مند ساخت تا صدای حسین را که مانند پدر بزرگ سخن می گوید، بشنود. پیامبر فرمود: فکر می کنم با دیدن من خجالت بکشد. قرار شد پیامبر جایی مخفی شود و آن وقت از حسین بخواهند، مثل بابا سخن بگویند و موعظه کند. پیامبر را پشت پرده پنهان کردند و حسین شروع به سخنرانی کرد. اما بر خلاف همیشه دچار لکنت زبان شد، او که متوجه تعجب مادر شده بود، گفت: «مادر! تعجب نکن که زبانم خوب نمی چرخد، علتش این است که در پشت پرده شخصی پنهان شده است که اگر تمام سخنوران عالم جمع شوند، در پیش او زبانشان بند می آید.» پیامبر با شنیدن این سخن از پس پرده بیرون آمد و حسین را در آغوش کشید و دستش را زیر چانه اش برد و سه مرتبه بر لب های فرزند شیرین زبانش بوسه زد و فرمود: بابا به قربان شیرین زبانت برود. ⁽¹⁹⁾

25- مسجد پیامبر ﷺ

رسول اکرم ﷺ نماز جماعت به جا می آورد، حسین هم در نزدیکی آن حضرت نشسته، به بازی مشغول بود. همین که پیامبر به سجده رفت، حسین بر پشت پیامبر سوار شد. او پاهایش را حرکت می داد و می گفت: برو، برو!

رسول خدا ﷺ وقتی سر از سجده برداشت، او را از پشت خود بر زمین نهاد. اما زمانی که حضرت دوباره به سجده رفت، حسین کارش را تکرار کرد.

وضع به همین صورت ادامه یافت تا بالاخره نماز تمام شد. در این بین مردی یهودی که از آنجا عبور می کرد، با دیدن این صحنه دچار چنان شگفتی شد که نزد پیامبر آمد و گفت: ای محمد! شما با کودکان به گونه ای رفتار می کنید که ما هرگز چنین نمی کنیم! رسول خدا ﷺ فرمود: آری! اگر به خدا و پیامبر روی آورید، بر کودکانتان رحمت خواهید آورد.

مرد یهودی با دیدن رافت اسلام، به رسالت پیامبر شهادت داد و به دین اسلام رو آورد.

(20)

26- نماز بر پیکر پدر

امام حسین علیه السلام هنگام غسل پدر متوجه شد که پیکر پاک علی علیه السلام به طور محسوسی سبک شده است. به طرف برادرش برگشت و با اظهار شگفتی گفت: برادر! پیکر پدرمان سبک است؟!

امام حسین علیه السلام جواب داد: ای ابا عبدالله! با ما گروه دیگری نیز هستند که در غسل پدرمان یاریمان می کنند، ولی آنها به چشم دیده نمی شوند. وقتی پدر را غسل دادند، دو برادر عقب تابوت پدر را گرفتند و جلو تابوت خود برخاست. آنها در میان راه صدای بال ملائکه و تسبیح و تقدیس آنها را می شنیدند. تا اینکه بر سر قبر رسیدند. بر طبق وصیت پدر اول امام حسن علیه السلام و آنگاه حسین علیه السلام بر پیکر پدر نماز خواندند. و پدر را به خاک سپردند. ⁽²¹⁾

27- انفاق بعد از نماز

یک شب گدایی در خانه حسین را به صدا در آورد و با خود گفت: «آنکه به تو امید داشته باشد، نا امید برنگردد.»

حسین علیه السلام که در محراب خود مشغول نماز بود، با شنیدن صدای در، نمازش را کوتاه کرد و به پایان برد، آنگاه در را باز کرد. فقیری ژنده پوش و ضعیف را دید. به خانه برگشت و دو هزار درهم، که خرجی خانواده و خدمتکارها بود، به همراه دو دست لباس خودش را به او داد. با این حال از ناچیز بودن آنها نیز عذر خواهی کرد. ⁽²²⁾

28- زیارت قبر امام حسین علیه السلام

یکی از کارهای پسندیده و حسنه شب جمعه کنار قبر شهداء و مومنین رفتن است، و برای شادی روح آنها قرآن و دعا خوانده شود و این عمل حسنه از سیره امام حسین علیه السلام به یادگار مانده است.

امام باقر علیه السلام می فرماید سید الشهداء هر شب جمعه به زیارت قبر امام حسن علیه السلام می رفت. ⁽²³⁾

گرچه اصحاب ابا عبدالله شب قبل از روز عاشورا را به جای خواب و استراحت به نماز و قرآن و استغفار و مناجات با محبوب به سر بردند و ظاهرا باید از نیروی جسمی و بدنی آنان کاسته شده باشد، ولی عشق به آنان نیرو بخشنده است، عشق به خدا، عشق به شهادت در راه خدا و در رکاب بهترین برگزیده حق، حجت خدا و امام زمان حضرت ابا عبدالله الحسین.

29- نماز بر دشمن نمی خوانم

معاویه در همان سالی که حجرین عدی و اصحابش را به قتل رساند، به حج آمد. وی در آنجا حسین علیه السلام را دید و به او گفت: ای ابو عبدالله! شنیدی که با حجرین عدی و اصحاب او و سایر شیعیان پدر تو چه کردم؟ حضرت فرمود: چه کردی؟ گفت: کشتم، کفن کردم، نماز خواندم و دفن نمودم.

حسین علیه السلام لبخندی زد و گفت: این جماعت در قیامت دشمن تو خواهند بود. اما وقتی که ما دولت بیابیم و پیروان تو را به قتل برسانیم، کفن نخواهیم کرد و نماز بر ایشان نخواهیم خواند ⁽²⁴⁾.

30- بهترین کار بعد از نماز

امام حسین علیه السلام فرمودند: برایم ثابت شده است که این سخن پیامبر (بهترین کارها بعد از نماز خوشحال کردن مومن به وسیله غیر حرام است) درست است زیرا، روزی غلامی را دیدم که به سگی غذا می داد. جلوتر رفته، پرسیدم: چرا این چنین می کنی؟ پاسخ داد: ای فرزند رسول خدا، من ناراحت هستم و با شاد کردن سگ، دنبال شادی و محبت هستم، سرپرستم مردی یهودی است و من از این موضوع خیلی ناراحتم. من نزد مرد یهودی رفتم و نوکر را به دویست دینار خریدم.

یهودی پول را نگرفت و گفت: این غلام هدیه قدم های تان، این باغ هدیه غلام و اگر اجازه دهید، مبلغی پول هم نثار تان کنم.

گفتم: نه اجازه بدهید من مبلغی به شما بدهم.

یهودی پذیرفت و همان پول را به غلام بخشید. من هم او را آزاد کردم و همه اموال را به او دادم.

همسر یهودی مجذوب این شد و گفت: من هم اسلام آوردم و مهرم را به شوهرم
بخشیدم. شوهرش که دید چنین است، گفت: من هم مسلمان شدم و خانه ام را به همسرم
دادم. (25)

31- مزد معلم

عبد الرحمن سلمی استاد یکی از فرزندان حسین علیه السلام بود، آن روز عبد الرحمن سوره حمد را به طور کامل به آن فرزند یاد داد. کودک بعد از پایان درس خود را نزد پدر رساند و با ذوق و شوق و زبانی شیرین سوره حمد را از اول تا آخر برای پدر تلاوت کرد. حسین آنقدر تحت تاثیر زحمات معلم قرار گرفت که هزار دینار طلا و هزار پارچه زیبا به او بخشید و دهانش را از مروارید پر کرد.

برخی که شاهد این بخشش هنگامت بودند، لب به اعتراض گشودند، امام حسین علیه السلام جواب داد: این مقدار مزد در برابر آنچه به فرزندم یاد داده، ناچیز است، و ارزش کار معلم خیلی بیشتر از آنهاست. ⁽²⁶⁾

فصل دوم: جلوه نماز در کربلا

32- روز تبلور عبادت

از ویژگی های امام حسین علیه السلام که منشاء و سرچشمه دیگر صفات و امتیازات او گردید، این بود که فرمان خاص آفریدگارش را در روز بزرگ و جاودان عاشورا به سبک بی نظیری به انجام رسانید و خدا را به گونه ای عبادت کرد که نه کسی پیش از او توفیق آن را یافته بود و نه پس از او عبادت او، در آن روز تاریخی و حماسه ساز، عبادتی جامع، کامل، پر محتوا و دربردارنده تمامی اقسام و ابعاد و چهره های یک سیستم عبادی کامل بود و از عبادت های بدنی و قلبی گرفته تا ظاهری و باطنی، روحانی و معنوی، واجب و مستحب، و دیگر چهره ها و جلوه های پرستش خالصانه و عاشقانه خدا، در آن موج می زد و از هر نمونه و نوع آن، بهترین و کامل ترین و زیباترینش در عبادت و عبادتگاه حسین علیه السلام تبلور یافت.

و در یک روز! آری! یک روز شکوهمند و به یادماندنی آفریدگار توانای هستی به انواع و اقسام پرستش ها و در تمامی جلوه ها پرستیده شد.

آن روز علاوه بر اینکه روز بزرگ عبادت و نیایش بود روز تبلور ارزش های انسانی نیز بود، به همین جهت بود که در کنار عاشقانه ترین و خالصانه ترین نیایش ها و عبادت ها تمامی مکارم اخلاقی و صفات پسندیده انسانی به صورت همگون و ناهمگون در بهترین صورت ممکن در چشم انداز بشریت قرار گرفت.

33- اسوه عالی عبادت

از ویژگی های امام حسین علیه السلام ایجاد هماهنگی و جمع میان اقسام طهارت بود، او به قصد تقرب به پروردگار و به نیت عبادت و بندگی او، شب عاشورا با اندک آبی که فرزند محبوبش علی، در آن شرایط سخت محاصره و بی آبی برایش فراهم ساخته بود غسل شهادت کرد. ⁽²⁷⁾

پس روز عاشورا با خون قلب مصفایش، به سبک ویژه ای وضو ساخت و چهره منورش را رنگین کرد آنگاه به غسل ترتیبی پرداخت و با خون قلبش سر مطهر و بدن مقدسش را شست و سر انجام غسل ارتماسی کرد.

امام حسین علیه السلام در صبحگاه روز شهادتش، وضوی خاصی ساخت، کف دست خویش را از خون پاکش پر کرد و چهره نورانی اش را رنگین کرد، آنگاه به خاک پاکیزه و مبارکی تیمم نمود و بر بارگاه دوست پیشانی بر زمین نهاد و به سجده پرداخت. و عاشقانه نماز عشق را در سجاده شهادت اقامه فرمود: حسین علیه السلام اسوه عالی عبادت و بندگی است.

34- چهار نوع نماز عاشقانه

امام حسین علیه السلام نماز به راستی به صورت بی نظیری به پا داشت به گونه ای که مخصوص او بود و نه دیگری، در شبانه روز جاودانه عاشورا آن حضرت چهار نوع نماز خواند.

1- نماز وداع و آن نمازی بود که شب عاشورا پس از به تاخیر افکندن پیکار و مهلت خواستش از دشمن به پا داشت.

2- نماز نیمروزی که به صورت نماز خوف به سبک ویژه ای جز نمازهای خوفی که در منزلگاه «عسفان» و «ذات» و «بطن النخل» خواند، به پا داشت که در آن برخی از یاران پاکباخته اش هدف تیرهای دشمن کینه توز و تجاوزکار قرار گرفته، به شهادت رسیدند.

3- روح و جان نماز را با آوردن اسرار و افعال و چگونگی و کلمات آن به صورت تمام عیار به پا داشت.

4- و نماز مخصوصی که تکبیره الاحرام، قرائت، قیام، رکوع، سجود، تشهد و سلام ویژه ای داشت. نمازی که تکبیر آن را به هنگام فرود آمدن از مرکب سر داد و قیام آن را به هنگامی که پس از افتادن بر خاک به روی پای خویش ایستاد به جا آورد و رکوع آن را به هنگامی که از شدت زخم و خونریزی بر خاک می افتاد و برمی خاست انجام داد و قنوت آن را با آخرین دعای روح بخش و آخرین نیایش ملکوتی اش در واپسین دقایق زندگی زمزمه کرد که:

«خدای من! ای خدایی که مقامت بس والا و بلند مرتبه است و خشم و غضبت بر بیدادگران بسیار شدید، نیرویت از هر نیرویی بالاتر است. ای خدایی که از تمامی مخلوقات بی نیازی و در کبریا و عظمت فراگیر و به آنچه خواهی توانا. بار خدایا! ما خاندان و فرزندان پیامبر محبوب و برگزیده تو هستیم که اینان با ما از راه فریب و حيله

وارد شدند و دست از یاری ما کشیدند و ما را که برای حق و عدالت به پا خاستیم به شهادت رساندند.»

و سجده آن را با نهادن چهره پر فروغش بر خاک گلگون کربلا انجام داد و تشهد و سلام آن را با خروج روح بلندش از پیکر غرق به خویش ادا کرد و بالاخره سر از سجده نماز برداشتن را، با اوج گرفتن سربریده اش بر فراز نیزه ها و تعقیب نمازش را هم با برخی دعاها و اذکار و سوره مبارکه کهف که از فراز نیزه ها تلاوت کرده، به گوش ها می رساند. ⁽²⁸⁾

35- شیرینی معرفت

امیر مومنان علیه السلام در ترسیم صفات فرشتگان می فرماید، آنها شیرینی معرفت خدای را چشیده و از جام مهر و محبت او سیراب گشته و پروای از خدا تا اعماق قلبشان نفوذ کرده است، از این رو فرمانبرداری و عبادت طولانی خدا، قامت آنان را خم کرده و شوق بسیار به او، حالت تضرع آنان را از بین نبرده است. ⁽²⁹⁾

آری، اگر به خوبی به شخصیت والا و شاهکار بزرگ حسین علیه السلام بیندیشیم به روشنی آثار چشیدن معرفت خدا و سرکشیدن جام مهر و عشق او را، در کران تا کران زندگی او در خواهیم یافت. او شیرینی معرفت بی نظیری را چشیده بود که هجوم امواج رخدادهای ناگوار و تلخ دنیا و دنیاپرستان بر قلب و جان و درون و برون او هرگز احساس تلخکامی نکرد.

اگر با بینش معنوی به سخن امیر المومنین علیه السلام در مورد فرشتگان بیندیشیم که فرمود: «فرمانبرداری و عبادت خدا قامت آنان را خمیده ساخته، اما شوق بسیار به او حالت نیایش آنان را از بین نبرده است». در خواهیم یافت که آشکارترین فرد و شایسته ترین مصداق آن، امام حسین علیه السلام است، چرا که هم در فرمانبرداری و عبادت باشکوه روز عاشورا قامتش خمیده شد و هم تیر سه شعبه ای را که بر سینه و قلب مقدسش فرود آمد به جان خرید.

و خون پاکش فواره زد و باید که بر خمیدگی قامت او در اطاعت و عبادت پر شکوه خداوند در آن روز جدا شدن و قطعه قطعه شدن پیوندهای وجود و اعضای مقدسش را نیز اضافه کرد اما با همه اینها عشق او به خدا افرونتر شد.

36- همانند نماز فرشتگان

از صفات برجسته فرشتگان این است که پیوسته در عبادت خدا و اطاعت فرمان او هستند نه خستگی آنان را فرا می گیرد و نه غفلت از یاد خدا و نه به نافرمانی می گرایند. امیر مومنان علیه السلام در وصف آنان می فرماید:

«برخی از فرشتگان سجده کنندگانی هستند که رکوعی ندارند. برخی دیگر برای رکوع خمیده اند و قامت برای قیام راست نمی کنند. گروهی از آنان صف زدگانی هستند که خستگی فرسودگی در آنان راه ندارد، نه خواب بر چشمانشان پیروز می گردد و نه اشتباه و خطای بر اندیشه آنها، نه بر کالبدهایشان سستی روی می آورد و نه به آگاهیشان غفلت و فراموشی ⁽³⁰⁾»

امام حسین علیه السلام عبادت تمامی فرشتگان از آغاز تا فرجام آفرینش را در یک روز انجام داد. آن حضرت برای خدا سجده ای کرد و جاودانه شد.

رکوعی به جا آورد که قیامت برای قیام راست نکرد و در شب عاشورا خدایش را به گونه ای عبادت نمود که نه خواب بر چشمانش پیروز شد و نه اشتباه و نسیان بر اندیشه اش.

37- نماز، محبوب حسین علیه السلام

نمازگزار باید اسرار نماز را دوست داشته باشد، دوست نماز باشد، نه نمازخوان باشد. سید الشهدا علیه السلام به ابوالفضل علیه السلام فرمود: «به این قوم بگو امشب را که شب عاشورا است به من مهلت بدهد برای اینکه خدای سبحان می داند «أَنْتِ كُنْتِ أَحَبَّ الصَّلَاةِ لَهُ»⁽³¹⁾، که من نماز را برای رضای خدا دوست دارم، نماز محبوب من است، من نماز را دوست دارم و می خواهم از دوستم وداع کنم.»

از امام سجاد علیه السلام بیان شده: «إِذَا صَلَّيْتَ فَصَلِّ صَلَاةَ مُؤَدِّعٍ⁽³²⁾»

وقتی نماز می خوانید مثل آن کسی باشد که می خواهد نماز را وداع کند زیرا ممکن است اجل نگذارد به نماز بعدی برسید.

با توجه به این نکته که ائمه علیهم السلام الگوهای پایدار و مبین عبادت می باشند توصیه های اینان در همیشه تاریخ اسلام چراغی فرا راه مسلمین خواهد بود تا در لحظات کامیابی و ناکامی شدت و صحت، سرا و ضرا، همواره خداوند را به یاد داشته و ختم تمامی امور را منوط به رای و مصلحت پروردگار ببینند و خدای متعال را حاضر و ناظر بر کلیه اعمال بدانند. با عنایت به این مساله درمی یابیم که چگونه است که عابدترین عابدان عصر سلطه اموی حضرت علیه السلام وقتی نماز می خواند با آن همه مقامات معنوی چنان در پیشگاه ذات اقدس الهی حاضر می گردد که گویی این آخرین نماز اوست.

38- شهادت به خاطر احیای نماز

حالت نیایش و راز و نیاز امام حسین علیه السلام به درگاه الهی، هیچ گاه در تمام زندگی ظاهری حضرتش قطع نگشت... بلکه انواع مصائب و گرفتاری ها و رنج های جانکاه را بر پیکر مقدسش و سر مطهر و قبر منورش، پس از شهادت خود نیز، در راه خدا به جان خرید و همه اینها را در همان دوران زندگی ارزیابی و برای خشنودی خدا، نیت همه آنها را نمود. در این مورد کافی است به پایمال شدن پیکرش، بریده شدن دست و انگشتانش پس از شهادت، زده شدن چوب بیداد بر لب و دهانش، بر فراز نیزه گرداندن سر مطرش در شهرها نگریست که همه اینها را به نیت انجام فرمان خدا و نماز و عبادت و اطاعت او و احیای دین و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله انجام داد.

39- شهادت در حال نماز

حضرت سید الشهداء علیه السلام به برادرش فرمود که: اگر من به لانه حیوانات پناه ببرم بنی امیه بر من دست پیدا می کنند می داند که او را می کشند و جناب امیر مومنین علیه السلام می دانست او را شهید می کنند، من عالم می دانم که مرا می کشند حالا که می داند خوب چرا توی خانه؟ چرا توی دهلیز؟ چرا توی یک بیابانی بی اطلاع؟ خوب، حالا که مرا می کشند طوری کشته و شهید شوم که خون من هدر نرود مظلومیت من بر ملا بشود، آنها که بالاخره علی علیه السلام را می کشتند لذا می رود به مسجد اگر مسجد هم نمی رفت آن شب او را می کشتند.

به یک وجه دیگر چه بهتر که حقانیتشان را بر مردم معلوم کنند، در مسجد سر نماز (مسجد مامن مردم است) که قساوت و شقاوت را خوب برساند این را اختیار کرد، این مسیر را برگزیده است نباید گفت چرا علی امیر المومنین تن به تهلکه داده چرا؟ قرآن که می فرماید: **(وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ)**. انسان بالاتر از این حرف هاست.

اینها دست از امام حسین بر نمی داشتند به هر طریقی او را می کشتند، ولی امام جهاد و شهادت را اختیار کرد، و در میدان جهاد، درس استقامت و آزادی و شهادت و بندگی و معنویت و مناجات و عبادت و برپایی نماز برای تمام انسان ها داد.

نماز حقیقی را امام در شب، صبح و ظهر عاشورا به تصویر کشید، اگر چه فیلمبردار آنجا نبود، ولی انسان با چشم بینا می تواند الان هم ببیند چونکه آنها حق بودند و حق هم نبود شدنی نیست، تا ابد این فیلم نماز کربلا زنده و پایدار است.

در قیامت خداوند تمام صف کربلا را به عالم محشر نشان می دهد، واقعا رکوع و سجود امام دیدنی است. واقعا آنها چقدر قسی القلب بودند، که به قلب نماز و به قلب نمازگزار تیر زدند.

دشمنان با این کار ثابت کردند که نمازگزار واقعی نیستند، بلکه نمازگزار واقعی امام حسین و یارانش می باشند، اگر آنها نمازگزار واقعی بودند به نماز و نمازگزار تیر نمی زدند.

الف) عصر روز تاسوعا

40- به خاطر نماز جنگ را به تاخیر انداختند

بنا به نقل طبری عصر پنج شنبه نهم محرم، عمر سعد فرمان حمله داد و لشکر به حرکت در آمد امام علیه السلام در آن ساعت در بیرون خیمه به شمشیرش تکیه نموده خواب خفیفی بر چشمانش مستولی شد.

و چون زینب کبری علیه السلام سر و صدای لشکر عمر سعد را شنید و جنب و جوش آنها را دید به نزد امام آمد و عرضه داشت: برادر! اینک دشمن به خیمه ها نزدیک شده است. امام علیه السلام سر برداشت و اول این جمله را گفت: «إِنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ...» اینک جدم رسول خدا را در خواب دیدم که به من فرمود: فرزندم به زودی نزد من خواهی آمد». سپس برادرش ابوالفضل علیه السلام را خطاب کرد و چنین گفت: جانم به قربانت! سوار شو و با اینها ملاقات کن و انگیزه و هدف آنان را پیرس.

طبق فرمان امام علیه السلام حضرت ابوالفضل با بیست تن زهیربن قین و حبیب بن مظاهر نیز در میان آنان دیده می شد به سوی دشمن حرکت نموده و در مقابل آنان قرار گرفت و انگیزه حرکتشان را سوال نمود.

لشکریان عمر سعد در جواب او گفتند: اینک از سوی امیر (ابن زیاد) حکم تازه ای رسیده است که باید شما بیعت کنید والا وارد جنگ خواهیم گردید.

حضرت ابوالفضل به سوی امام برگشت و پیشنهاد آنان را به عرض آن حضرت رسانید. امام در پاسخ وی چنین فرمود: «به سوی آنان بازگرد و اگر توانستی همین امشب را مهلت بگیر و جنگ را به فردا موکول بکن تا ما امشب را به نماز و استغفار و مناجات با پروردگاران بپردازیم، زیرا خدا می داند که من به نماز و قرائت قرآن و استغفار و مناجات با خدا علاقه شدید دارم.»

ابوالفضل علیه السلام برگشت و تقاضای مهلت یکشنبه نمود. عمر سعد چون در قبول این پیشنهاد مردد بود موضوع را با فرماندهان لشکر مطرح و نظر آنان را جویا گردید.

یکی از فرماندگان به نام «عمرو بن حجاج» گفت: سبحان الله! اگر اینها از ترک و دیلم بودند و چنین مهلتی را از تو در خواست می کردند بایستی به آنان جواب مثبت می دادی «یکی دیگر از فرماندهان گفت: به عقیده من هم باید به این درخواست حسین جواب مثبت داد، زیرا این درخواست وی نه برای عقب نشینی آنها از جبهه و نه برای تجدید نظر است بلکه به خدا سوگند! فردا اینها پیش از تو به جنگ شروع خواهند نمود.

عمر سعد گفت: اگر چنین است پس چرا شب را به آنان مهلت بدهیم؟ به هر حال، پس از گفتگوی زیاد، پاسخ عمر سعد به حضرت ابوالفضل علیه السلام این بود: ما امشب را به شما مهلت می دهیم اگر تسلیم شدید و به فرمان امیر گردن نهادید به نزد او می بریم و اگر امتناع کردید ما هم شما را به حال خود باقی نخواهیم گذاشت و جنگ است که سرنوشت شما را تعیین خواهد نمود.

و بدینگونه با درخواست امام علیه السلام موافقت گردید و شب عاشورا به وی مهلت داده شد.

41- سخنرانی بعد از نماز مغرب

از این درخواست امام علیه السلام برای مهلت گرفتن در شب عاشورا می توان به اهمیت نماز و دعا و نیایش و تلاوت قرآن پی برد که آن حضرت تا آنجا به این مسائل علاقه دارد که از دشمن ناجوانمردش درخواست مهلت می کند تا یک شب دیگر از عمر خویش را با این اعمال بگذارند. و چرا چنین نباشد که حسین علیه السلام برای ترویج و زنده ساختن نماز و قرآن و شعارهای الهی بدینجا آمده است و مناجات و نیایش با پروردگار بهترین و لذت بخش ترین دقایق زندگی اوست و باید هر ملتی که برای خدا قیام می کند، همین اعمال را شعار و ملاک عمل خویش قرار بدهد.

حسین بن علی علیه السلام نزدیک غروب تاسوعا و پس از آنکه از طرف دشمن مهلت داده شد (و یا پس از نماز مغرب) در میان افراد بنی هاشم و یاران خویش قرار گرفته این خطابه را ایراد نمود:

«خدای را به بهترین وجه ستایش کرده و در شداید و آسایش و رنج و رفاه، مقابل نعمت هایش سپاسگزارم. خدایا! تو را می ستایم که بر ما خاندان، با نبوت، کرامت بخشیدی و قرآن را به ما آموختی و به دین و آیین مان آشنا ساختی و به ما گوش (حق شنو) و چشم (حق بین) و قلب (روشن) عطا فرموده ای و از گروه مشرک و خدا نشناس قرار ندادی. اما بعد: من اصحاب و یارانی بهتر از یاران خود ندیده ام و اهل بیت و خاندانی باوفاتر و صدیق تر از اهل بیت خود سراغ ندارم. خداوند به همه شما جزای خیر دهد.

آنگاه فرمود: جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داده بود که من به عراق فرا خوانده می شوم و در محلی به نام «عمورا» و یا «کربلا» فرود آمده و در همانجا به شهادت می رسم و اینک وقت این شهادت رسیده است به اعتقاد من همین فردا، دشمن جنگ خود را با ما آغاز خواهد نمود و حالا شما آزاد هستید و من بیعت خود را از شما برداشتم و به همه

شما اجازه می‌دهم که از این سیاهی شب استفاده کرده و هر یک از شما دست یکی از افراد خانواده مرا بگیرد و به سوی آبادی و شهر خویش حرکت کند و جان خود را از مرگ نجات بخشید، زیرا این مردم فقط در تعقیب من هستند و اگر بر من دست بیابند با دیگران کاری نخواهند داشت، خداوند به همه شما جزای خیر و پاداش نیک عنایت کند.»

ب) نماز در شب عاشورا

42- شب معراج

در عصر تاسوعا، لشکر عمر سعد طبق دستور عبید الله زیاد حمله کردند. و همان شبانه می خواستند با حسین علیه السلام بجنگند، حسین به وسیله برادرش ابوالفضل العباس علیه السلام از اینها می خواهد که یک شب را مهلت بدهند، می گوید: برادر جان به اینها بگو همین امشب را به ما مهلت بدهند.

من فردا می جنگم من اهل تسلیم نیستم، می جنگم اما یک امشب را به ما مهلت بدهند فردا (وقت غروب بود) بعد برای اینکه گمان نکنند که حسین می خواهد دفع الوقت بکند این جمله را گفت: برادر! خدا خودش می داند که من مناجات با او را دوست دارم. من می خواهم امشب را به عنوان شب آخر عمرم با خدای خودم مناجات بکنم و شب توبه و استغفار خودم قرار بدهم.

آن شب عاشورا اگر بدانید چه شبی بود! معراج بود یک دنیا شادی و بهجت و مسرت حکمفرما بود. در آن شب خودشان را پاکیزه می کردند، خیمه ای بود به نام خیمه تنظیف کسی داخل خیمه بود و دو نفر دیگر بیرون خیمه ایستاده و نوبت گرفته بودند. یکی از آنها که ظاهراً بریر است با دیگری شوخی و مزاح می کرد دیگری به او گفت: امشب شب مزاح نیست! او گفت اساساً من اهل مزاح نیستم، ولی امشب شب مزاح است. وقتی که دیگران آمدند این توابین و مستغفرین را دیدند می دانید درباره شان چه گفتند؟ پس از آنکه از کنار خیمه های حسین علیه السلام گذشتند گفتند (دشمن این حرف را می گوید): «لَهُمْ دَوِيٌّ كَدَوِيٍّ التَّحْلِ مَا بَيْنَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ».⁽³³⁾

مثل اینکه انسان از کنار کندوی زنبور عسل گذشته باشد صدای زمزمه زنبورها چگونه

بلند است؟

امام حسین علیه السلام می گوید: من امشب را می خواهم شب توبه و استغفار خودم قرار بدهم (می خواهد شب معراج خودش قرار بدهد) آن وقت آیا ما نیازی به توبه نداریم؟ آنها نیاز دارند و ما نیازی نداریم؟ بله آن شب را حسین بن علی علیه السلام با این وضع به سر برد با حال عبادت به سر برد به کارهای خود و اهل بیتش رسیدگی کرد و در آن شب بود که خطابه ای غرا را برای اصحاب خودش قرائت کرد ⁽³⁴⁾.

43- تا صبح در حال عبادت

«ضحاک بن عبدالله» می گوید: شب عاشورا امام حسین علیه السلام و یارانش تا صبح در حال نماز و استغفار و دعا و زاری بودند ⁽³⁵⁾.

44- نماز جماعت شب عاشورا

شب عاشورا حسین بن علی علیه السلام آخرین نماز جماعت مغرب و عشا را تشکیل داد. پس از نماز سخنرانی کوتاهی داشت.

45- تمام شب برای عبادت

در حدیثی از امام سجاد علیه السلام آمده است، پدرم حسین علیه السلام به نزد یاران خویش رفت و به ایشان دستور داد خیمه ها را نزدیک هم بزنند و طنابهای آنها را در هم داخل کنند و آنها را چنان نصب نمایند که خود میان آنها قرار گیرند تا با دشمنان از یک طرف رو به رو شوند و خیمه ها در پشت سر و سمت راست و چپ ایشان قرار داشته باشند که از سه سمت ایشان را احاطه کرده باشد، جز آن سمت که دشمن به نزد ایشان آید سپس خود آن حضرت به جای خود بازگشت و همه شب را به نماز و دعا و استغفار آن شب را به پایان بردند و پس از مختصر استراحتی که حضرت کرد نماز صبح را با اصحاب خویش به جماعت به جا آورد و بعد به تدارک و آماده سازی سپاه پرداخت. ⁽³⁶⁾

ج) نماز صبح عاشورا

46- اذان گفتن امام در صبح عاشورا

در جریان شهادت حضرت امام حسین علیه السلام آمده است:
که صبح عاشورا آن حضرت خود اذان و اقامه گفته و نماز صبح را با اصحابشان خواندند.

قابل توجه است که امام حسین در صبح روز عاشورا آخرین روز عمرش اقتدا به پدر بزرگوار خود کرده و همانگونه که امیرالمومنین علیه السلام در صبح نوزدهم ماه مبارک رمضان خود اذان گفتند امام حسین علیه السلام هم در صبح عاشورا با داشتن مؤذن مخصوص خودشان اذان گفتند. ⁽³⁷⁾

47- سخنرانی بعد از نماز صبح عاشورا

بنا به نقل ابن قولویه و مسعودی حسین بن علی علیه السلام آنگاه که نماز صبح را به جای آورد، رو به سوی نمازگزاران نموده پس از حمد و سپاس خداوند به آنان چنین فرمود:
«ان الله تعالى اذن...، خداوند به کشته شدن شما و کشته شدن من در این روز اذن داده است و بر شماست که صبر و شکیبایی در پیش گرفته و با دشمن بجنگید.»

د) نماز ظهر عاشورا

48- اذان برای ظهر عاشورا

هنگام ظهر فرا رسید (دو سپاه آماده شدند که به امامت امام حسین علیه السلام نماز جماعت را بخوانند) امام حسین علیه السلام به پسرش امام زین العابدین علیه السلام و یا حضرت علی اکبر علیه السلام فرمود: اذان و اقامه بگو! وی اذان و اقامه گفت و سپس نماز خواندند. ⁽³⁸⁾

چه خوب است هنگام ظهر عاشورا در سراسر کشور تمام جوانان به اذان گوی جوان کربلا اقتدا کنند، و صدای اذان در فضای کشور طنین انداز شود. و نماز جماعت اقامه گردد، و رعب و وحشی در دل دشمنان بیفتد، تا همین امر سبب وحدت در بین نمازگزاران گردد.

49- موذن امام

پس از محبت و پذیرایی امام از حر و سپاهیان او و استراحت مختصر حر، موقع ظهر و وقت نماز فرار رسید، امام به «حجاج بن مسروق» موذن مخصوصش فرمود: «اذن یرحملك الله و اقم للصلوة نصلی، خدا رحمت کند اذان و اقامه بگو تا نمازمان را بخوانیم.»

حجاج مشغول اذان گردید، امام به «حر» فرمود: تو نیز با ما نماز می خوانی یا مستقل و با سپاهیان می خوانی؟

عرضه داشت: نه، ما هم به شما و در یک صف به نماز می ایستیم.

امام در جلو و یارانش و «حر» و سپاهیان در پشت سر آن حضرت ایستادند و نماز ظهر را با آن حضرت به جای آوردند. ⁽³⁹⁾

50- یاد آوری وقت نماز ظهر

«عمرو بن کعب» معروف به ابو ثمامه صائدی یکی از یاران حسین بن علی علیه السلام چون متوجه گردید که اول ظهر است، به آن حضرت عرضه داشت: جانم به فدایت! گرچه این مردم به حملات پی در پی خود ادامه می دهند ولی به خدا سوگند! تا مرا نکشته اند نمی توانند به تو دست بیابند، من دوست دارم آنگاه به لقای پروردگار نایل گردم که این یک نماز دیگر را نیز به امامت تو به جای آورده باشم.

امام علیه السلام در پاسخ وی فرمود: «ذکرت الصلوة جعلک الله من المصلین الذاکرین، نعم هذا اول وقتها، نماز را به یاد ما انداختی خدا تو را از نمازگزارانی که به یاد خدا هستند قرار بدهد.» آری! اینک وقت نماز فرا رسیده است از دشمن بخواهید که موقتا دست از جنگ بردارد تا نماز خود را به جای بیاوریم.»

و چون به لشکر کوفه پیشنهاد آتش بس موقت داده شد، حصین یکی از سران لشکر باطل گفت: انها لا تقبل، نمازی که شما می خوانید مورد قبول پروردگار نیست.» حبیب بن مظاهر به او پاسخ گفت و در این رابطه باز جنگ شدیدی در گرفت که منجر به کشته شدن وی گردید.

و در نتیجه حسین بن علی علیه السلام با چند تن از یارانش در مقابل تیرها که مانند قطرات باران به سوی خیمه ها سرازیر بود نماز ظهر را به جای آورد و چند تن از یارانش به هنگام نماز به خاک و خون غلتیدند و در صف نمازگزارانی که واقعا به خدا هستند قرار گرفتند.

ابو ثمامه همانگونه که تصمیم گرفته بود پس از ادای فریضه ظهر پیش از همه یاران آن حضرت به جلو آمد و عرضه داشت:

«یا ابا عبدالله! جعلت فداک قد هممت اءن اءلحق باصحابک و کرهت اءن اتخلف فاءراک وحیدا فی اهلك قتیلا؛ جانم به قربانت! من تصمیم گرفته ام که هر چه زودتر به

یاران شهید تو بیبندم و خوش ندارم که خود را کنار بکشم و بینم که تو در میان اهل و عیالت تنها مانده و کشته می شوی.»

امام علیؑ در پاسخ وی فرمود: «تقدم فانا لا حقون بك عن ساعة، به سوی دشمن بتاز ما نیز به زودی به تو ملحق خواهیم شد».

با صدور این فرمان، او به صفوف دشمن حمله کرد و جنگ نمود تا به دست پسر عمویش قیس بن عبدالله صائدی به شهادت نایل گردید. (40)

51- اولین شهید نماز در جبهه کربلا

عموم مورخین گفته اند که: سعید بن عبدالله حنفی، سینه و سر و صورت خود را سپر آن حضرت و یاران او قرار داد تا نماز بخوانند و چون زخم ها بر بدن او فراوان شد و نتوانست روی پای خود بایستد بر زمین افتاد و در حالی که می گفت: «اللهم العنهم لعن عاد و ثمود و ابلغ نبیک منی السلام و ابلغه ما لقیتم من الم الجراح فانی اردت بذلک ثوابک فی نصره ذریه نبیک صلی الله علیه و اله و سلم؛

یعنی خدایا! ایشان را همانند قوم عاد و ثمود از رحمت خویش دور گردان و پیامبرت را از طرف من درود فرست و این درد و زخمی را که به من رسید به او ابلاغ فرما، که هدف من در این کار یاری فرزند پیامبر تو بود.»

آنگاه روی خود را به سوی امام حسین علیه السلام کرد و عرض کرد:

«اوفیت یا بن رسول الله، یعنی آیا به عهد خود وفا کردم؟»

امام حسین علیه السلام فرمود: «نعم انت امامی فی الجنة، یعنی آری! تو در بهشت پیش روی من هستی.» به دنبال این سخن بود که روح از بدن او پرواز کرد و در بدن او سیزده تیر مشاهده کردند و این غیر از زخم ها و ضربه های دیگری بود که بر او وارد شده بود.

رضوان الله و سلامه و برکاته علیه و علی من استشهد معه. ⁽⁴¹⁾

52- جنگ بعد از نماز ظهر

یکی از اسرار جنگ در اسلام این است که جنگ مستحب است از ظهر به بعد شروع شود و قبل از ظهر مکروه است. مگر اینکه دشمن حمله کند، در این صورت در تمام اوقات انسان می تواند حمله او را پاسخ دهد.

جنگ کردن قبل از ظهر مکروه است اما از ظهر به بعد مستحب است، چرا؟

راز این نکته در کتب فقهی ما که از این روایات استفاده کرده اند این چنین بیان می شود که: درهای رحمت هنگام ظهر باز است. بلکه خدای سبحان قلب کفار و منافقین را هدایت کند که به اسلام گرایش پیدا کنند و خونی ریخته نشود.

این راز جهاد در میدان جنگ است که آن هم حکمی خاص دارد، مرحوم صاحب جواهر رحمته الله می گوید: «سید الشهداء شخصا از ظهر به بعد روز عاشورا وارد میدان شده است، اصحابش قبل از ظهر دفاع کرده اند اما آنچه مربوط به خود حضرت است از ظهر به بعد است لذا نماز ظهر را وی در آن حالت خواندند، سپس وارد میدان شدند. ظهر که می شود درهای رحمت باز است وقتی که درهای رحمت باز شد ایشان از خدای سبحان رحمت کامله مسألت می کند.»

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «هنگام ظهر درهای رحمت باز است، درهای بهشت باز است، و دعاها هم مستجاب است.»⁽⁴²⁾

53- نماز خوف در صحرای کربلا

نماز خوف مثل نماز مسافر دو رکعت است نه چهار رکعت. یعنی انسان اگر در وطن هم باشد باز باید دو رکعت بخواند، برای اینکه مجال نیست و در آنجا باید مختصر خواند، چون اگر همه به نماز بایستند وضع دفاعی شان به هم می خورد. سربازان موظف هستند در حال نماز نیمی در مقابل دشمن بایستند و نیمی به امام جماعت اقتدا کنند امام جماعت یک رکعت را که خواند صبر می کند تا آنها رکعت دیگرشان را بخوانند بعد آنها می روند پست را از رفقای خودشان می گیرند در حالی که امام همینطور منتظر نشسته یا ایستاده است سربازان دیگر می آیند و نمازشان را با رکعت دوم امام می خوانند.

حضرت ابا عبدالله علیه السلام چنین نماز خوفی خواند، ولی وضع ابا عبدالله علیه السلام یک وضع خاصی بود، زیرا چندان از دشمن دور نبودند. لهذا آن عده ای که می خواستند دفاع کنند نزدیک ابا عبدالله ایستاده بودند و دشمن بی حیای بی شرم حتی در این لحظه هم آنها را راحت نگذاشت در حالی که ابا عبدالله مشغول نماز بود دشمن شروع به تیراندازی کرد، دو نوع تیراندازی هم تیر زبان که یکی فریاد کرد: حسین! نماز نخوان نماز فایده ای ندارد! تو بر پیشوای زمان خودت یزید، یاغی هستی، لذا نماز تو قبول نیست!

و هم تیرهایی که از کمان های معمولی شان پرتاب می کردند یکی دو نفر از صحابه ابا عبدالله که خودشان را برای ایشان سپر قرار داده بودند روی خاک افتادند. یکی از آنها سعید بن عبدالله حنفی به حالی افتاد که وقتی نماز ابا عبدالله تمام شد دیگر نزدیک جان دادنش بود، آقا خودشان را به بالین او رساندند وقتی به بالین او رسیدند او جمله عجیبی گفت، عرض کرد، یا ابا عبدالله! اوفیت؟ آیا من حق وفا را به جا آوردم؟ مثل اینکه هنوز هم فکر می کرد که حق حسین آنقدر بزرگ و بالاست که این مقدار فداکاری هم شاید کافی نباشد این بود نماز ابا عبدالله در صحرای کربلا. ⁽⁴³⁾

54- دعا در آخرین لحظات روز عاشورا

آخرین دعای امام حسین علیه السلام در حالی که با بدن غرق در خون بر خاک افتاده بود این بود:

«اللهم متعالی المكان، عظیم الجبروت شدید المحال غنی عن الخلائق، عریض الکبریاء قادر علی ما یشاء قریب الرحمة صادق الوعد سابق النعمة حسن البلاء قریب اذا دعیت محیط بما خلقت قابل التوبة لمن تاب الیک قادر علی ما اردت و مدرک ما طلبت و شکور اذا شکرت و ذکور اذا ذکرت. ادعوک محتاجا و ارغب الیک فقیرا و افزع الیک خائفا و ابکی الیک مکروبا و استعین بک ضعیفا و اتوکل علیک کافیا احکم بیننا و بین قومنا بالحق فانهم غرونا و خدعونا و غدرونا و قتلونا و نحن عتره نبیک و ولد حبیبک محمد بن عبدالله الذی اصطفیته بالرسالة و اتمنته علی وصیک فاجعل لنا من امرنا فرجا و مخرجا برحمتک یا ارحم الراحمین»؛

«پروردگارا! جایگاهت برتر، قدرت بسیار و قهر و غضبت شدید می باشد. بی نیاز از مخلوقات، دارای قدرت گسترده، قادر بر هر چه بخواهد، دارای رحمت نزدیک و وعده راست، نعمت گسترده، و بلاء نیکو، آنگاه که خوانده شوی نزدیک هستی، و بر آنچه خلق کردی محیط هستی، توبه را از کسی که به سوی تو بازگشت کند می پذیری، بر آنچه بخواهی قادری و هر چه را بخواهی می یابی، هنگامی که شکر تو را گذارند شکر گذار بوده، و هرگاه یاد شوی متذکر آنان می گردی.

تو را با نیازمندی خوانده و با فقر و بی چیزی و به سوی تو توجه می کنم و با ترس به سوی تو روی می آورم و با ناراحتی به سوی تو می گیریم و با ناتوانی از تو یاری می خواهم و بر تو، توکل می کنم در حالی که تو را کافی می دانم. بین ما و قوم ما با حق حکم نما، به درستی که آنان ما را فریب داده و مکر و خدعه زدند و ما را کشتند در حالی که ما خاندان پیامبرت و فرزندان دوست تو محمد بن عبدالله می باشیم که او را به رسالت

برگزیده و بر وحیت او را امین قرار دادی پس در کار ما فرج و گشایش قرار ده. به
رحمت ای مهربان ترین مهربانان.»⁽⁴⁴⁾

55- علت تاخیر افتادن جنگ

یکی از دلایل به تاخیر افکندن پیکار با دشمن، یافتن فرصت دیگری برای راز و مناجات و نیایش با خدا در شب عاشورا بود به همین جهت پس از پاسی از شب به دعا مشغول شد و تا صبحگاه بر حال نیایش بود و دعای شبانگاهی اش به این دعای صبحگاهی پیوند خورد که فرمود:

«بار پروردگارا! تو در تمام غم و اندوه و پناهگاه و در هر رخداد سخت و ناگوار مایه امید و در هر حادثه ای پناه و سلاح من هستی.

چه بسیار غم هایی که دل هایی در برابر آن ناتوان و راه چاره در برطرف ساختن آن مسدود می گردد دوستان و دشمنان زبان به لرزش و شماتت می گشایند که من همه را به بارگاه تو آوردم و به تو شکایت کرده و از دیگران قطع امید نمودم و تنها تو بودی که به داد من رسیدی و این غم های کمرشکن را برطرف ساختی و مرا از امواج سهمگین بالا رهانیدی.»

56- یاد خدا تا لحظه شهادت

امام حسین علیه السلام از عصر تا سوعا تا عصر عاشورا در تمامی حالات و شرایط و در همه گفتار و کردار و حرکات و سکنات خویش به یاد خدا و یاد آوری پیمان با او و تاکید بر پایندی بر عهد خویش با خدا بود و تا لحظاتی که بر پیمانش با خدا وفا نکرد و حق امانت را ادا نمود به کار دیگری حتی صرف غذا نیندیشید و این در حالی بود که زبان مبارکش تا هنگامی که تر بود و گردش می کرد به ذکر خدا مشغول بود.

57- آخرین سجده خونین حسین علیه السلام

دو یا سه ساعت بعد از نماز ظهر عاشورا برای امام حسین علیه السلام نماز دیگری پیش آمد رکوع دیگری پیش آمد سجود دیگری پیش آمد. شکل دیگری ذکر گفت، اما رکوع ابا عبدالله آن وقتی بود که تیر به سینه مقدسش وارد شد و ابا عبدالله به چه شکلی بود؟ سجود بر پیشانی نشد، چون ابا عبدالله قهرا از روی اسب بر زمین افتاد، طرف راست صورتش را روی خاک های گرم کربلا گذاشت ذکر ابا عبدالله این بود.

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ.»

سید بن طاووس در لهوف نقل کرده:

«لَمَّا سَقَطَ عَنِ فَرْسِهِ إِلَى الْأَرْضِ عَلَى خَدِّهِ الْأَيْمَنِ، هَنَّاغَمِيَّ كَمَا أَنَّ اسْبَاحَ رُؤْيِ كَوْنِهِ رَاسْتَشْ بِرِ زَمِينِ افْتَادَ چنين گفت: بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ؛ به نام خدا و به یاد او و به راه پیامبر.»

58- دعا قبل از شهادتش

روایت شده آن حضرت لحظاتی چند خون آلود روی زمین افتاد بودند و چهره شان به سوی آسمان بود و می فرمود: «یا الهی! صبرا علی قضائك لا معبود سواک یا غیاث المستغیثین.»

خداوندا! بر قضا و قدرت صبر می کنم، معبودی جز تو نیست ای فریاد رس فریاد خواهان! ⁽⁴⁵⁾»

59- توجه به خیام و نماز

امام حسین علیه السلام در عین جنگ، ناگزیر است گاهگاهی از اهل حرم خبر گیرد. حال و احوال آنها را بیرسد، به آنان دلداری و تسلیت دهد، در آنان آمادگی برای مصائب بعدی را فراهم سازد.

از سوی دیگر او در خیمه بیماری دارد، امام سجاد علیه السلام، که تمام روز عاشورا در حال بیماری شدید و گاهی در حال اغماء است. هر چند گاهی سری به خیمه او می زد، با او سخن می گفت، ودایع امامت را به او می سپرد.

آخر او امام بعدی است، رئیس قافله اسیران است او باید رسالت خطیر بعدی را بر عهده گیرد.

در عین حال، وقت نماز است. او باید به نماز بایستد و در میان مردم و در میدان جنگ نماز بخواند تا هم شبهه کفر و بی ایمانی را از خود بزدايد و هم به دیگران بفهماند که نماز مهم است و در هیچ حالتی از حالات حتی در بحبوحه جنگ و فراموش نمی گردد. حتی در میان تیر و شمشیر و حتی با چهره خونین. ⁽⁴⁶⁾

60- دعوت به بهشت بعد از نماز ظهر

نماز جماعت به پایان رسید، امام رو به نمازگزاران گرداند و سخنان خویش را با حمد و سپاس خداوند آغاز کرد، آن گاه فرمود: خداوند در این روز کشته شدن شما و مرا امضا کرده است.

«صبرا یا بنی الکرام فما الموت الا قنطرة تعبر بکم عن البوس والضراء الى الجنان
الواسعة النعم الدائمة؛

بر شماست که صبر و شکیبایی پیش گیرید ای بزرگ زادگان! صبر کنید که مرگ پلی بیش نیست که شما را از سختی ها و رنج ها به بهشت گسترده و نعمت های جاوید می رساند. پس کدام یک از شما به خاطر انتقال از کاخ به زندان و شکنجه گاه است. همانا پدرم از رسول خدا ﷺ روایت کرد که آن حضرت می فرمود: دنیا برای مومن همانند زندان و برای کافر همچون بهشت است و مرگ پل مومنان به سوی بهشت هایشان و پل کافران به سوی دوزخ آنان است. نه دوزخ شنیده ام و نه دوزخ می گویم!»

ه) نماز اصحاب امام حسین

61- بهترین اصحاب امام حسین

قضیه معروفی است درباره یکی از علمای بزرگ شیعه منقول است.

یکی از علمای قم برای من نقل می کرد که مرحوم فیض درباره این جمله که از حضرت امام حسین علیه السلام نقل شده است که ایشان در شب عاشورا فرمودند: من اصحابی بهتر از اصحاب خودم سراغ ندارم، می گفت: من باور نمی کنم چنین چیزی را امام فرموده باشد.

گفته بودند: چرا؟

گفته بود: مگر آنها چه کار کردند که امام بگوید اصحابی از اینها بالاتر نیست. آنهایی که امام حسین را کشتند خیلی آدم های بدی بودند، اینهایی که امام حسین را یاری کردند کار مهمی انجام ندادند. هر مسلمانی جای آنها می بود، وقتی می گفتند: فرزند پیغمبر، و امام زمانشان در دست دشمن تنها مانده است، قهرا می ایستاد.

یک شب در عالم رویا دید که صحرای کربلاست، امام حسین با 72 تن در یک طرف، لشکر 30 هزار نفری دشمن هم در طرف دیگر. آن جریان به نظرش آمد که موقع ظهر است و می خواهند نماز بخوانند. حضرت امام حسین علیه السلام به همین آقا فرمودند: شما جلو بایستید تا ما نماز بخوانیم. (همانطور که سعید بن عبدالله حنفی و یکی دو نفر دیگر خودشان را سپر قرار دادند.)

دشمن تیر اندازی می کرد. آقا رفت جلو ایستاد. اولین تیر از دشمن داشت می آمد. تا دید تیر دارد می آید، خم شد. ناگاه دید که تیر اصابت کرد به امام. در همان عالم خواب گفت: «استغفر الله و اتوب الیه»، عجب کار بدی کردم! این دفعه دیگر چنین کاری نمی کنم. دفعه دوم تیر آمد. تا نزدیک او شد دو مرتبه خودش را خم کرد. چند دفعه این جریان تکرار شد، دید بی اختیار خم می شود. در این هنگام امام به او فرمود: انی لا اعلم

اصحابا خیرا ولا افضل من اصحابی؛ من اصحابی از اصحاب خودم بهتر نمی شناسم. یعنی تو خیال کرده ای هر که کتاب خواند مجاهد می شود؟ این حقیقتی است: من لم یغز و لم یحدث نفسه بغزو مات علی شعبة من النفاق؛ کسی که عملا مجاهد نبوده است یا لا اقل این اندیشه را نداشته که مجاهد باشد در درون روحش یک دو رویی وجود دارد یعنی موقع جهاد که می شود در می رود. ⁽⁴⁷⁾

62- نماز مسلم بن عقیل

در کتاب مقتل ابی مخنف آمده است: وقتی که مسلم را به بالای دار الاماره بردند گفت: بگذارید تا دو رکعت نماز به جا آورم، آن گاه هر چه می خواهید بکنید، اما آنها به حرف مسلم گوش ندادند (هر چند در بین عوام مشهور است که دو رکعت نماز خوانده است). مسلم به گریه در آمد و اشعاری را فرمود، سپس ابن زیاد صدا زد او را از بالا به زیر افکندند.

در روایت دیگر آمده که وقتی مسلم را برای کشتن به بالای قصر می بردند، همچنان به تسبیح و تکبیر مشغول بود و استغفار می کرد و به رسول الله و خاندانش درود می فرمود. تا این که در همان حال او را به شهادت رساندند و پیکرش را به پایین انداختند.

63- مناجات یاران امام

یاران حسین در شب عاشورا اشتغالاتی داشتند از جمله:

- آماده سازی اسلحه و صیقل دادن آن، اصلاح سپر، آزمایش کمان ها و ...
- دعا و عبادت، تلاوت قرآن، مناجات، گریه و ناله های جانسوز، آن چنان که شب عاشورا یاد آور شب های مناجات علی ع بود و بیدار کننده خاطره شب قدر.
- نماز و سجده های طولانی، تقاضای سعادت، عرض اخلاص در راه خدا. ⁽⁴⁸⁾

64- ایمان و اخلاص یاران امام

یارانی که امام برای کار و تلاش خود برگزیده یارانی پاک و خالص و با صفا بودند و ارزیابی از آنها در موارد زیر قابل دقت است.

در بُعد ایمان: در ایمان استوار و قوی بودند و جوهره اصلی ایمانشان در روز عاشورا معلوم شد که با چه استواری و عشقی به پیش رفتند و تا آخرین نفس بر ایمان خود پایدار ماندند.

در جنبه عبادت: همه از عابدان و بندگان خالص خدا بودند. همه اهل نماز شب، اهل تلاوت قرآن، اهل ذکر و مناجات و دعا و در پیشگاه خدا خاضع بودند. در وسط جنگ در روز عاشورا در میان تیرها و نیزه ها، در میدان کربلا به نماز جماعت ایستادند.

در جنبه اخلاص: یاران حسین هر چه داشتند در طبق اخلاص نهاده و به پیشگاه خدا عرضه کرده اند. خود را بر حق می دانستند و با تمام وجود می جنگیدند، می خواستند خدای را از خود راضی کنند. حتی در شدت جراحات به فکر درد نبودند، در اندیشه فداکاری در راه خدا بودند.

اخلاص به امام: عباس علیه السلام وارد شریعه آب شد، ولی به یاد تشنگی امام از وسط شریعه آب تشنه لب برگشت. سیف بن حارث برای امام گریه می کرد و درباره علت گریه می گفت: برای این است که نمی توانیم برای تو کاری انجام دهیم. غلام ابوذر با عجز و لابه از امام اجازه شهادت می گرفت و می گفت: مرا از شهادت محروم مکن! ⁽⁴⁹⁾

65- نماز یکی از اصحاب امام حسین علیه السلام

بریر یکی از مشایخ و علمای کوفه بود. از القابش سید القراء است، در تفسیر و تدریس قرآن بر همه اصحاب مقدم بود با علی علیه السلام مصاحبت داشته و چهل سال نماز صبحش را با وضوی نماز عشایش خوانده است، آن قدر کم خوراک بود که اقتضای تجدید وضو هم در او دیده نمی شده است،

در بعضی از شب ها یک ختم قرآن می کرد. کتابی در فضای اسلامی نوشته است در مکه به امام ملحق شد و در شب عاشورا نخستین کسی بود که برخاست و اعلام آمادگی کرد و در آن شب با برخی از اصحاب مزاح و شوخی می کرد. شب عاشورا سید الشهداء به اصحاب فرمود: بروید لباس هایتان را تمیز کنید. فردا لباس تمیز در بر نمایید تا کفن های شما باشد زیرا شما را کفن نمی کنند.

بعد هر کدام به خیمه خود رفتند و عبادت و مناجات با خدا را شروع کردند، بعضی به ذکر رکوع و برخی به ذکر سجود شب را تا صبح مناجات می کردند دعا می خواندند و وداع می نمودند.

66- خسته ناپذیر

گرچه اصحاب ابا عبدالله علیه السلام شب قبل از روز عاشورا را به جای خواب و استراحت به نماز و قرآن و استغفار و مناجات با محبوب به سر بردند و ظاهراً باید از نیروی جسمی و بدنی آنان کاسته شده باشد، ولی عشق به آن نیرو بخشیده است. عشق به خدا، عشق به شهادت در راه خدا و در رکاب بهترین برگزیده حق حجت خدا و امام زمان حضرت ابا عبدالله الحسین. ⁽⁵⁰⁾

و) نماز حضرت زینب سلام الله علیها

67- نماز شب حضرت زینت

از حضرت فاطمه علیها السلام دختر امام حسین علیه السلام نقل شده که درباره عبادت شب دهم عمه اش زینب علیها السلام گفته است: «و اما عمتی زینب، فانها لم تزل قائمة في تلك الليلة - ای عاشره من المحرم - في محرابها تستغیث الی ربها، و ما هدأت لنا عین و لا سکنت لنا زفر»⁽⁵¹⁾

و اما عمه ام زینب پس او همچنان در آن شب - شب عاشورا - در جایگاه عبادت خود ایستاده بود، و به درگاه خدای تعالی استغاثه می کرد، و در آن شب چشم هیچ یک از ما به خواب نرفت، و صدای ناله ما قطع نشد.»

امام سجاد علیه السلام در این خصوص فرموده است: «همانا عمه ام زینب همه نمازهای واجب و مستحب خود را در طول مسیر ما از کوفه تا شام ایستاده می خواند، اما بعضی از منزل هاغ نشسته نماز خواند، و این هم به جهت گرسنگی و ضعف او بود، زیرا مدت سه شب غذایی که به او می دادند میان اطفال تقسیم می کرد، چون که آن مردمان ستمگر و سنگدل، در هر شبانه روز به ما فقط یک قرص نان می دادند.»⁽⁵²⁾

68- سفارش امام حسین به نماز شب

امام حسین علیه السلام هنگام وداع در روز عاشورا به زینب کبری علیها السلام فرمود: «ای زینب، خواهرم! در نماز شب مرا فراموش مکن.»⁽⁵³⁾

فصل سوم: آثار و پیام نماز عاشورا

69- درس عبادت و بندگی

امام حسین علیه السلام و اصحابش درس عبادت و بندگی کامل را به بشریت آموختند، خیلی ها ادعا می کنند ما خداوند را عبادت و بندگی می کنیم ولی هنگام امتحان مردود می شوند.

این شعار را می دهیم، ای کاش ما در کربلا بودیم، امام حسین علیه السلام را یاری می کردیم و سینه خود را سپر نماز قرار می دادیم، اما گویا واقعا اینطور هستیم. خود را امتحان کنیم.

70- اهمیت نماز اول وقت

سید الشهداء، در سخت ترین شرایط و در حین جنگ، نماز را در اول وقت اقامه نموده و هیچ چیز نتوانست مانع نماز اول وقت ایشان شود، نمی گوید اول جنگ و بعد نماز، او این درس را از پدر بزرگوارش علی علیه السلام آموخت. که روزی در جنگ صفین حضرت علی علیه السلام در حالی که مشغول جنگ بود مرتب به خورشید نگاه می کرد، ابن عباس عرض کرد: یا امیرالمومنین! این چه کاری است که شما انجام می دهید؟

حضرت فرمود: نگاه می کنم تا موقع فرا رسیدن ظهر، نماز را (در اول وقت) بخوانم.

ابن عباس گفت: آیا حالا وقت نماز است؟ ما مشغول جنگ هستیم.

حضرت فرمود: مگر ما برای چه چیزی می جنگیم؟ به درستی که ما برای نماز جنگ می کنیم.

ابن عباس گفت: نماز شب علی علیه السلام حتی در لیلۃ الیهیر هم ترک نشد. ⁽⁵⁴⁾

بیا بییم مثل اصحاب امام حسین عمل کنیم، هنگام ظهر بشتابیم به سوی نماز، و نماز را به یاد بیاوریم تا مشمول دعای امام حسین علیه السلام شویم: «ذکرت الصلوة جعلک الله من

المصلین الذاکرین؛ نماز را یاد کردی خدا تو را از نمازگزاران قرار بدهد.» ⁽⁵⁵⁾

71- اقامه نماز

اقامه نماز اشاره به این است که نه تنها خودشان نماز می خوانند بلکه کاری می کنند که این رابطه محکم با پروردگار همچنان و در همه جا برپا باشد. در زیارت نامه امام حسین علیه السلام می خوانیم.

«اشهد انك قد اقامت الصلوة و اتيت الزكوة؛ گواهی می دهم که با کشته شدن نماز را برپا کردی.» و در زیارت مخصوص آن حضرت آمده است که سلام بر تو ای فرزند گرامی پیامبر! گواهی می دهم که تو نماز را آن چنان که حقیقت آن می باشد به پا داشتی و زکات را پرداختی و به حق و حقیقت فرا خواندی و از تباهی و ناپسندی ها نهی کردی و قرآن را چنانکه باید تلاوت نمودی و در راه خدا چنانکه شایسته بود جهاد کردی.⁽⁵⁶⁾ او به راستی نماز را به صورت بی نظیری به پا داشت، به گونه ای که مخصوص او بود و نه دیگری.

72- برپایی نماز جماعت

سالار شهیدان، در سرزمین کربلا با همه مشکلات و در مقابل چند هزار دشمن و ناله های زن و بچه ها، نماز جماعت را اقامه کرد، امام می توانست نماز را کنار فرزندانش در داخل خیمه به فرادی بخواند، و بعد به میدان برود، و در ضمن از تیرهای دشمن نیز محفوظ می ماند و چند لحظه ای را هم کنار فرزندانش لذت می برد؛ ولی امام، نماز جماعت را ترجیح داد و آن را در مقابل دشمن برپا نمود و یکی از اصحابش سینه خود را سپر قرار داد و به خاطر نماز به شهادت رسید.

73- محافظت بر نماز

نمازگزار در هر شرایطی چه در حالت عادی و یا خطر، از نماز باید محافظت کند، امام حسین علیه السلام و اصحابش از ستون دین به خوبی پاسداری کردند و در پایان جان خود را فدای نماز نمودند تا اسلام باقی بماند.

مروی است حضرت حسین علیه السلام پس از پایان نماز اصحاب را به جهاد ترغیب کرد و سپس فرمود: این بهشت است که درهائش باز شده و جوی هایش متصل و میوه هایش رسیده و قصرهائش زینت شده است و بچه ها و حوری هایش جمع شده اند و این رسول الله و شهدایی است که با او کشته شده اند و پدر و مادرم نیز هستند که انتظار قدوم شما را دارند و شما را بشارت می دهند و آنها مشتاق شما هستند از دینتان حمایت کنید و از حرم رسول خدا و امامتان و پسر و دختر پیامبرتان دفاع نمایید. چرا که خدا شما را امتحان کرده، شما در جوار جد ما هستید و نزد ما بزرگوارید، دفاع کنید خداوند شما را خیر دهد.

74- ترویج نماز

امام حسین علیه السلام هم برای دشمن، هم برای اصحابش، و هم برای آیندگان درس نماز داد، امام در حالی که خودش و اصحابش و فرزنداناش تشنه بودند، از دشمن در خواست آب نکرد، ولی برای نماز و مناجات یک شب مهلت خواست.

از این در خواست امام علیه السلام می توان به اهمیت نماز و دعا و نیایش و تلاوت قرآن پی برد که آن حضرت تا آنجا به این مسائل علاقه دارد که از دشمن ناجوانمردش در خواست مهلت می کند تا یک شب دیگر از عمر خویش را با این اعمال بگذارند و چرا چنین نباشد که حسین علیه السلام برای ترویج و زنده ساختن نماز و قرآن و سفار الهی به اینجا آمده است و مناجات و نیایش با پروردگار بهترین و لذت بخش ترین دقایق زندگی اوست و باید هر ملتی که برای خدا قیام می کند، همین اعمال را شعار و ملاک عمل خویش قرار بدهد.

75- درس عمل به آیات نماز

خداوند سبحان آیات فراوانی در مورد نماز در قرآن بیان نموده و عمل به آن واجب است و سبب رستگاری انسان می شود.

76- درس احیای اذان

امام در آن بحبوحه اذان گفتن را فراموش نمی کند، و شعار توحید را یک بار در گوش ها و دل ها زنده می کند و همانقدر پیامبر به بلال می فرمود: «یا بلال فارحنا بالصلاة؛ ای بلال! خوشحال کن ما را به نماز.» به خاطر می آورد، و هنگام ظهر امام، به فرزندش می گوید اذان بگو.

77- درس آزادی نماز و نمازگزار

امام معتقد بود انسان آزاد آفریده شده و دیگران حق ندارند او را بنده خود سازند خود او نیز این حق را ندارد که خود را برده دیگران سازد، نماز در کربلا، نشانگر آزادی امام و یارانش بود. هم نماز و هم نمازگزار آزاد است.

احدی نمی تواند جلو نماز و نمازگزار را بگیرد. امام به دشمنان نشان داد که شما اسیر نفس و دنیا هستید.

78- استعانت از نماز

حسین بن علی علیه السلام پس از نماز صبح در روز عاشورا آری، پس از نماز صبح! دو نکته را تذکر می دهد: یکی اصل کشته شدن که به امر پروردگار است و دیگری پایداری و استقامت در برابر دشمن که هر دو نکته با نماز ارتباط مستقیم دارد، زیرا اگر در قرآن مجید حکم نماز در آیات متعدد آمده و نماز یکی از علائم اسلام و ایمان است، در شرایط خاص جنگ و جهاد و حتی در آن مرحله ای که شکست ظاهری و کشته شدن، قطعی و مسلم است طبق فرمان الهی واجب است و اگر احیانا کسانی نماز بخوانند و حکم جهاد را فراموش کنند از مصادیق کسانی خواهند گردید که قرآن مجید با تعبیر **(نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ)** نکوهش می کند.

و اما روح استقامت و پایداری در جهاد نیز باید از همان نماز و ارتباط با پروردگار به دست بیاید و از عبادت و معنویت مدد و نیرو بگیرد که:

(اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ). (57)

79- درس هدف داری

ارزش وجودی هر انسان به ارزش هدف او بستگی دارد، امام به همه نشان داد که هدف ما خدا است و هدف ما احیای روح و حقیقت نماز است امام در قتلگاه هدف خدایی خود را در نظر داشت و می گفت: «إِلَهِي رَضِيَ بِقَضَائِكِ.»

80- درس رمز و راز موفقیت

امام حسین چگونه پیروز شد، باید گفت یکی از عوامل مهم آن، نماز و عبادت و اخلاص و دعای امام و یارانش بود. همانطور در دوران جنگ تحمیلی رزمندگان اقتداء به امام حسین کردند.

81- شهادت در حال نماز

حضرت سید الشهداء علیه السلام به برادرش فرمود که: اگر من به لانه حیوانات پناه ببرم بنی امیه بر من دست پیدا می کنند. می داند که او را می کشند و جناب امیرالمومنین علیه السلام می دانست او را شهید می کنند، من عالم می دانم که مرا می کشند حالا که می داند خوب چرا توی خانه؟ چرا توی دهلیز؟ چرا توی یک بیابانی بی اطلاع؟ خوب. حالا که مرا می کشند طوری کشته و شهید شوم که خون من هدر نرود، مظلومیت من برملا بشود، آنها که بالاخره علی علیه السلام را می کشتند؛ لذا می رود به مسجد، اگر مسجد هم نمی رفت آن شب او را می کشتند.

به یک وجه دیگر چه بهتر که حقانیتشان را بر مردم معلوم کنند، در مسجد سر نماز (مسجد ماء من مردم است) که قساوت و شقاوت را خوب برساند این را اختیار کرد، این مسیر را برگزیده است. نباید گفت چرا علی امیرالمومنین تن به تهلکه داده چرا؟ قرآن که می فرماید: (وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ).

انسان بالاتر از این حرف هاست.

اینها دست از امام حسین بر نمی داشتند به هر طریقی او را می کشتند، ولی امام جهاد و شهادت را اختیار کرد، و در میدان جهاد، درس استقامت و آزادی و شهادت و بندگی و معنویت و مناجات و عبادت و برپایی نماز برای تمام انسان ها داد.

نماز حقیقی را امام در شب، صبح و ظهر عاشورا به تصویر کشید، اگر چه فیلمبردار آنجا نبود، ولی انسان با چشم بینا می تواند الان هم ببیند چونکه آنها حق بودند و حق هم نبود شدنی نیست، تا ابد این فیلم نماز کربلا زنده و پایدار است.

در قیامت خداوند تمام صف کربلا را به عالم محشر نشان می دهد، واقعا رکوع و سجود امام دیدنی است. واقعا آنها چقدر قسی القلب بودند، که به قلب نماز و به قلب نمازگزار تیر زدند.

دشمنان با این کار ثابت کردند که نمازگزار واقعی نیستند، بلکه نمازگزار واقعی امام حسین و یارانش می باشند، اگر آنها نمازگزار واقعی بودند به نماز و نمازگزار تیر نمی زدند.

82- درس امانت داری

امام به ما آموخت که نماز امانت الهی است، انسان باید به نحو احسن از آن امانتداری کند.

هنگامی که وقت نماز می شد علی علیه السلام به خود می پیچید، می لرزید به او می گفتند: ای امیر المومنین! تو را چه شده است؟
می فرمود: وقت ادای امانتی رسیده است که خداوند آن را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کرد و آنها از تحمل آن ابا کردند و از آن بیمناک شدند. ⁽⁵⁸⁾

83- درس احترام به مقدسات

نماز عبادتی مقدس و ارزنده است و حسین علیه السلام به ما درس داد که چگونه در برابر این مقدسات باید موضع داشت. او در روز نهم محرم جنگ را به تاءخیر انداخت و به دشمن پیام داد که من نماز و قرآن را دوست دارم شبی را به من مهلت دهید! در روز عاشورا او می توانست نماز را در میان خیمه ها بخواند و حتی آرامش نسبی برای خانواده خود فراهم کند و دیدید که در وسط میدان در میان تیرها و سنگ اندازی ها نماز را به اتمام رسانید و نشان داد که نماز در حین جنگ هم تعطیل بردار نیست.

84- درس اخلاص

امام حسین علیه السلام به ما درس اخلاص داد، کاری که انسان برای خدا می کند باید خالصانه و با قصد قربت باشد، خلوص حسین خلوص بی شائبه و به دور از هرگونه ریب بود.

در هدف او ذره ای ریا آوازه گری و خود خواهی و خودبینی نمی بینیم او برای خدا قیام کرد و تنها رضای او را طلبید و در این طلب راست گفت و به صواب عمل کرد. همین خلوص و اخلاص حسین بود که کارسازی کرد و نام او را تا حال زنده داشته و از این پس نیز زنده خواهد داشت و همین اخلاص و قصد قربت بود که خون او را خون خدا کرد و تربت او موجب شفاء شد و او به همین خاطر ثارالله است. نماز او سراسر خلوص بود، اگر چه در میدان جنگ، و در مقابل جمعیت بود، نماز او چه آشکار عین هم است، در همه حال او را می بیند. امام مصداق این آیه بود:

(قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ).⁽⁵⁹⁾

85- درس شب زنده داری

امام حسین علیه السلام در میدان جنگ هم سحرخیزی و شب زنده داری را به ما آموخت، یک شب جنگ را به تاخیر انداخت، که با نماز شب و سحرخیزی وداع کند، شب عاشورا، در خیمه ها تماشایی بود، امام و یارانش در دل شب با معبود خود مناجات می کردند. امام چقدر عاشق نماز شب است، در آخرین وداع او در روز عاشورا به خواهرش می فرماید: خواهرم! در شب مرا فراموش مکن و در آن هنگام برایم دعا کن. یعنی امام حسین از زینب التماس دعا داشت.

86- درس غیرت دینی

او به ما درس داد که چگونه از دین و قرآن و نماز دفاع کنیم، و در مقابل تیرهای دشمن نماز را برپا کردند و از هیچ چیز نترسیدند، و به هر شکلی نماز را خواندند. رزمندگان ما در دوران جنگ تحمیلی به مولایشان سید الشهداء علیه السلام اقتدا کردند.

87- حتی در جنگ، نماز ترک نشد

حتی در میدان جنگ به ما گفتند، اصل عبادت ولو به صورت نماز خوف را فراموش نکنید، اینکه نماز مسافر شکسته است اصلش در قرآن کریم در مورد نماز خوف رزمندگان است، در میدان جنگ و در حال حمله چگونه نماز بخوانند، از مکتب عاشورا درس نماز می گیریم، که انسان در هر صورتی باشد نماز از او برداشته نمی شود. امام در مقابل تیرهای دشمن نماز را اقامه نمودند، تا برای آیندگان درس باشد. نماز نشانگر اطاعت عبد از معبود و عاشق از معشوق است. و تمامی این درجات از عبادت یعنی اخلاص در بندگی در نماز تبلور می یابد. اگر قرار بر این باشد که در لحظات سخت و جانفرسایی چون جنگ نماز انسان ترک شود این دیگر اطاعت از نفس اماره است. و حتی اگر این جنگ بر مبنای دفاع از کیان و سرزمین اسلامی صورت گرفته باشد بدون نماز ارزشی نخواهد داشت؛ و عینا به معنای نفی اولین پایه از فروع دین است.

88- درس در همه حال به یاد خدا بودن

امام حسین علیه السلام به ما آموخت که در بحرانی ترین حالات و پیشامدها یاد خدا باشیم، و با یاد او که به دل ها آرامش می بخشد آرامش قلب پیدا نموده و این اطمینان قلبی را به یاران و خانواده اش نیز منتقل کرد، خطبه هایش با نام و یاد خداست، امام در روز عاشورا در اوج سختی ها یک لحظه از یاد خدا غافل نبود و پیوسته نام آن محبوب را بر زبان جاری می کرد و به واسطه ذکر آن محبوب قطره وجودش را به دریای الهی متصل می ساخت. در روایت آمده که روز عاشورا امام حسین پیوسته و مداوم خدا را یاد می کرد و می گفت:

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم.

89- درسی به پیکارگران در راه حق

این بود راه و رسم حسین بن علی علیه السلام و یارانش در روز عاشورا که «نماز» همه مسائل را تحت الشعاع قرار می دهد و آن حضرت به هنگام نماز همه چیز را فراموش می کند و از دشمن خونخوارش درخواست آتش بس می نماید.

و این درسی است به همه پیکارگران در راه حق، درسی است که پدر ارجمندش امیر مومنان علیه السلام در صفین و در بحبوحه جنگ به پیروانش یاد می دهد، آنگاه که ابن عباس دید آن حضرت مراقب و منتظر وقت نماز است، سوال نمود: یا امیرالمومنین! مثل اینکه نگران مطلبی هستید؟

فرمود: آری! مراقب زوال شمس و داخل شدن وقت نماز ظهر می باشم.

ابن عباس گفت: ما در این موقع حساس نمی توانیم دست از جنگ برداریم و مشغول نماز گردیم.

امیر مومنان علیه السلام در پاسخ وی فرمود: «انما قاتلناهم علی الصلوة»؛ ما برای نماز با آنان می جنگیم».

آری! در جنگ صفین نماز صفین نماز شب علی علیه السلام نیز ترک نمی گردید و حتی در
لیلة الهیریر. (60)

90- دفاع از نماز و نمازگزار

یکی از درس های آموزنده نهضت سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام پیوند
آن با عبادت و نماز است، به گونه ای که ظهر خونین عاشورا برای همیشه، همراه با کلمه
نورانی «نماز» در خاطر تاریخ مانده است و یکی از شهدای کربلا نیز در هنگامی به
شهادت رسید که از امام حسین علیه السلام محافظت می کرد تا آن اسوه نمازگزاران نماز بخواند.
این درس است که اهمیت نماز را بیان می کند و غفلت از آن هرگز روا نیست.

فصل چهارم: سخنان امام درباره نماز

91- تفسیر صمد

وهب قرشی می گوید: امام صادق علیه السلام، امام باقر علیه السلام از امام سجاد علیه السلام برایم نقل نمود که فرمود: اهل بصره به امام حسین علیه السلام نامه ای نوشتند و در آن از معنی «صمد» سوال نمودند، حضرت علیه السلام در پاسخ نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان، اما بعد، در قرآن گفتگو و مجادله نکنید و بدون آگاهی در آن سخن مگویید، از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم می فرمود: هر کس بدون علم در قرآن سخن گوید جایگاهش را در آتش آماده کند، (بدانید که) خدای سبحان خود تفسیر «الصمد» را فرمود است: «نه زاییده است و نه زاده شده، و نه هیچ کس همتای اوست».

«نه زاییده است»: (یعنی از آن رو که او محیط، به اول و آخر و ظاهر و باطن وجود و شئون وجودی همه است پس) چیزی از او بیرون نیاید (و منفصل نشود) نه چیز متراکم و انبوه مرئی و مادی همچون نوزاد (هر جاندار)، و اشیاء متراکم و انبوه (مادی و مرئی) دیگر که از پدیده ها خارج می شود، و نه چیز مجرد (لطیف و نامرئی) همچون جان (و روح)، و نیز حالات گوناگون از قبیل چرت و خواب و تردید و نگرانی و اندوه و شادی و خنده و گریه و ترس و امید و آرزو و آزادگی و گرسنگی و سیری (که عوارض عالم نقص و محدودیت اند، هیچ کدام) از او منشعب نگردند (و سر نزنند، پس ذات کبریایی) او بلند (منزلت و منزله) است از اینکه (همانند اشیاء دستخوش تحولات گردد و) چیزی از او بیرون شود و منفصل گردد، چه مادی چه مجرد.

«و نه زاییده شده است» (یعنی باز به همان دلیل که محیط است پس) از چیزی منفصل و زاده نشده است، آنگونه که اشیاء متراکم و انبوه (مرئی و مادی) از عناصر اولیه خود، زاده و بیرون شوند از قبیل جماد از جماد، جاندار از جاندار، گیاه از زمین، آب از چشمه

ها، میوه ها از درختان و یا اشیاء نامرئی از پایگاه های اولیه خود بیرون زتند از قبیل دیدن از چشم و شنیدن از گوش و بوییدن از بینی و چشیدن از کام و سخن از زبان و شناخت و تمیز از عقل و آتش از سنگ، نه، (ذات کبریایی او اینگونه نیست) بلکه اوست خدای صمد نه از چیزی جدا شده، نه در چیزی جای گرفته و نه بر چیزی قرار یافته است (که اینها همه نشانه نقص و محدودیت است).

او به وجود آورنده و آفریدگار همه چیز (از پیدا و ناپیدا و ملک و ملکوت) است، و همه را با قدرت مطلقه خود پدید آورده است، با مشیت او هر آنچه به منظور فنا آفریده است، نابود می شود، و با علم او هر آنچه برای بقاء خلق نموده است، باقی می ماند، این است (ویژگی های) خدایی که نه زاییده است و نه زاده شده است، دانای پنهان و آشکار، بلند مرتبه و والا منزلت، و او را هیچ همتایی نیست (زیرا ذات مقدس او که هویت مطلقه است، تکرر بردار نیست، او یگانه است).

حضرت امام محمد باقر، از امام زین العابدین، از امام حسین علیه السلام نقل نموده که فرمود: «صمد آن است که (همه عوالم غیب و شهادت و ملک و ملکوت را احاطه دارد و از هیچ ریز و درشت و پیدا و ناپیدایی) میان تهی نیست، و صمد آن است که سیادت (و ربوبیت) او تمام (و کامل) است، صمد آن است که نه می خورد، و نه می آشامد. صمد آن است که نمی خوابد، و صمد آن وجود همیشگی است که پیوسته بوده و پیوسته خواهد بود. (61)

92- آداب دستشویی

از امام حسین علیه السلام سوال شد: آداب دستشویی چیست؟
فرمود: «در آن هنگام» رو به قبله و پشت به قبله، و نیز رو به باد و پشت به باد نباشد.
(62)»

93- تشریح اذان

امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام از امام سجاد علیه السلام از امام حسین علیه السلام نقل می کند که
فرمود: از حضرت امیر علیه السلام پرسیدند: بلکه عبدالله بن زید آن را دیده و به پیامبر
صلی الله علیه و آله گزارش نموده پس حضرت صلی الله علیه و آله فرمان داد که (از آن پس) اذان بگویند (آیا درست
است)؟

حضرت حسین علیه السلام در حالی که برافروخته (و ناراحت) شد فرمود:
«وحی بر پیامبر شما نازل می شود و شما می پنداری که او اذان را از عبدالله بن زید
گرفته است؟! در حالی که اذان سیمای دین شماست؟»
و فرمود: بلکه از پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم می فرمود: خداوند فرشته ای را
برای زمین فرستاده تا رسول خدا صلی الله علیه و آله را به معراج برد سپس به شرح داستان معراج
پرداخت تا اینکه فرمود: پس خداوند فرشته ای را که پیش از آن وقت دیده نشده بود و
پس از آن نیز دیده نشده، برانگیخت، پس اذان را دو به دو، و اقامه را دو به دو ادا کرد.
حضرت صلی الله علیه و آله چگونه اذان را بیان نمود سپس فرمود: جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض
کرد: ای محمد! برای نماز، اینگونه اذان بگو. (63)

94- وضوی پیامبر ﷺ

از امام حسین علیه السلام روایت شده که فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه وضو می ساخت از آب وضو بر پیشانی باقی می گذاشت تا هنگام نماز بر محل سجده جریان یابد. ⁽⁶⁴⁾»

95- بسم الله بلند و آشکار

از رسول صلی الله علیه و آله از امیرالمومنین علیه السلام از امام حسن علیه السلام از امام حسین علیه السلام از امام سجاد علیه السلام از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: «همه آن بزرگواران در نمازهای جهریه خود (صبح و مغرب و عشا) بسم الله الرحمن الرحیم و حمد و سوره در هر رکعتی را صدا دار و آشکار ادا می فرمودند (بر خلاف اهل سنت) و در نمازهای دیگر که آهسته ادا می شوند (ظهر و عصر)، آن را آهسته ادا می کردند.

و امام حسین علیه السلام فرمود: ما فرزندان فاطمه علیها السلام بر این روش اتفاق داریم. ⁽⁶⁵⁾

96- قنوت نماز

امام حسین علیه السلام از رسول صلی الله علیه و آله روایت فرمود که قنوت در هر نمازی مستحب است و فرمود: «من رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که در همه نمازهایش قنوت می گرفت و من در آن روز شش ساله بودم. ⁽⁶⁶⁾»

97- تشهد پیامبر ﷺ

بهزی گوید: از امام حسین علیه السلام پرسیدم: تشهد علی علیه السلام چگونه بود؟ فرمود: همان تشهد رسول صلی الله علیه و آله بود.

عرض کردم: پس تشهد عبدالله چگونه بود؟

فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دوست می داشت که (در تکالیف) بر امت خود تخفیف دهد.»

عرض کردم: تشهد علی علیه السلام به تبعیت از تشهد رسول صلی الله علیه و آله چگونه بود؟

فرمود: (با این فراز مستحب آغاز می شد که) همه درودها از آن خداست، و همه صلوات (و نماز و نیایش) و آن پاکیزه های پگاهان و شبان که بارور و پر برکت و خالصند از آن خداست. ⁽⁶⁷⁾

98- ایمان و یقین

یحیی بن نعمان گوید:

در محضر امام حسین علیه السلام شرفیاب بودم، عربی نقابدار با چهره ای تیره رنگ وارد شد و سلام کرد. حضرت علیه السلام سلام او را پاسخ داد. آن مرد گفت:

ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله سوالی دارم؟

فرمود: پرس.

گفت: فاصله میان ایمان و یقین چه قدر است؟

فرمود: «چهار انگشت.»

گفت: چگونه؟

فرمود: «ایمان آن است که آن را می شنویم، و یقین آن است که آن را می بینیم و

فاصله بین گوش و چشم چهار انگشت است.»

پرسید: میان آسمان و زمین چه قدر است؟

فرمود: یک دعای مستجاب.

پرسید: میان مشرق و مغرب چقدر است؟

فرمود: به اندازه سیر یک روز آفتاب.

پرسید: عزت آدمی در چیست؟

فرمود: بی نیازیش از مردم.

پرسید: زشت ترین چیزها چیست؟

فرمود: «در پیران، هرزگی و بی عاری است، در قدرتمندان درنده خویی، در شریفان (و

نجیب زادگان) دروغگویی، در ثروتمندان بخل و تنگ نظری است و در عالمان حرص

است. ⁽⁶⁸⁾»

99- دادرسی مومن

شخصی خدمت امام حسین علیه السلام رسید و عرض کرد: پدر و مادرم فدایت باد! در برآوردن حاجتی به من کمک فرما.

حضرت علیه السلام از جا برخاست و همراه او شد، در بین راه گذر آنان بر امام حسین علیه السلام که ایستاده بود و نماز می گزارد افتاد، امام حسن علیه السلام پرسید: چرا جهت حاجت خود از امام حسین علیه السلام کمک نطلبیدی؟

عرض کرد: در صدد بر آمدن اما گفتمند: او معتکف است.

امام حسن علیه السلام فرمود: اگر (امکان داشت و) تو را یاری می رساند از یک ماه اعتکاف

برایش بهتر بود. ⁽⁶⁹⁾

100- نماز جمعه

از امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نقل شده که: «نماز جمعه با دو نفر هم منعقد می شود. ⁽⁷⁰⁾»

101- بهترین عبادت

امام حسین علیه السلام فرمود:

«جمعی خدا را از شوق بهشت می پرستند، این عبادت سوداگران است، و گروهی خدا را از بیم دوزخ می پرستند، این عبادت بردگان است و مردمی هم خدا را از روی شکر و قدرشناسی و شوق می پرستند، این عبادت آزادگان و بهترین عبادت است. ⁽⁷¹⁾»

102- فواید روزه

از امام حسین علیه السلام سوال شد: چرا خدای سبحان بر بندگان خود روزه را واجب فرمود؟

فرمود: «تا ثروتمندان درد گرسنگی را بچشند، پس اضافه دارایی خویش را بر در ماندگان صرف کنند. ⁽⁷²⁾»

103- امام حسین علیه السلام و نماز

«قال لا خیه العباس: اءن استطعت ان تصرفهم عنا هذا الیوم فافعل، لعلنا نصلی الی ربنا هذه اللیلة. فانه یعلم اءنی احب الصلوة و تلاوة القرآن؛

عصر نهم ماه محرم امام حسین به برادرش عباس فرمود: اگر بتوانی که لشکر دشمن را از جنگ منصرف کنی، چنین کن تا مگر امشب به درگاه پروردگاران نماز بخوانیم، زیرا او می داند که من نماز و تلاوت قرآن را دوست دارم. ⁽⁷³⁾»

104- پاداش عبادت

امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس خدا را آن گونه که حق پرستش اوست بپرستد، خدا از فیض خود به او بالاتر از آرزوها و کفایتش ارزانی دارد.»⁽⁷⁴⁾

105- گریه از خشیت الهی

روایت شده که امام حسین علیه السلام فرمود: گریستن از خشیت خدا، رهایی از آتش دوزخ است.

و فرمود: «گریه دیده ها و خشیت دل ها رحمتی از خداست.»⁽⁷⁵⁾

106- خوف از خدا

به امام حسین علیه السلام عرض شد: بیم تو از پروردگارت چه فراوان است؟ فرمود: در روز قیامت جز آن کسی که در دنیا خوف خدا داشته، کسی ایمن نیست.⁽⁷⁶⁾

107- اهل بیت علیهم السلام و اقامه نماز

«فی قوله تعالى: (الَّذِينَ إِِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ) قال: هذه فينا اهل البيت؛ در تفسیر آیه کسانی که اگر ما به آنها در زمین قدرت و حکومت دهیم، نماز را به پا می دارند فرمود: این در مورد ما خاندان اهل بیت است.»⁽⁷⁷⁾

108- زائران خدا

«أهل المسجد زوار الله و حق المزور التحفاء لزائره؛ اهل مسجد زائران خدایند و بر صاحب خانه است که به زائرش هدیه دهد.»⁽⁷⁸⁾

109- منظور آیه نماز شب

ابن منذر نقل می کند: دیده شد که حسین بن علی علیه السلام در فاصله میان مغرب و عشا نیز نماز می خواند از حضرتش در این مورد سوال شد فرمود: این نماز از عبادت شب «ناشئة الیل» به شمار می آید.

فصل پنجم: عشق امام به قرآن

110- قرآن بر چهار پایه استوار است

حسین بن علی علیه السلام فرمود: «کتاب خدای عزیز و بزرگ بر چهار چیز استوار است:

الفاظ، اشارات، لطایف و حقایق

الفاظ قرآن را از آن عموم و اشارات آن از آن نخبگان است.

لطائف قرآن برای اولیاء خدا و حقایق آن برای پیامبران است.

و فرمود: «ظاهر قرآن، آراسته و زیبا و باطن قرآن، ژرف و ناپیداست.»⁽⁷⁹⁾

111- پاداش قرائت قرآن

بشر بن غالب اسدی از امام حسین بن علی علیه السلام نقل می کند که فرمود:

«هرکس ایستاده در نماز خود، یک آیه از کتاب خدا را بخواند، در برابر هر حرفی (پاداش) صد کار نیک برایش نوشته می شود و اگر آن را در غیر نماز بخواند، خدا در برابر هر حرفی، (اجر) ده کار نیک برای او می نویسد. پس اگر (خاموش باشد و با توجه) گوش به قرآن بسپارد، در برابر هر حرفی (پاداش) یک حسنه دارد و اگر قرآن را در شب به پایان رساند، فرشتگان خدا تا هنگام صبح برای او طلب رحمت کنند و اگر آن را در روز تمام کند، ملائکه نگهبان تا شب بر او درود می فرستند و چنین کسی (نزد خدا) «یک دعای مستجاب دارد» و این ختم قرآن برای او از آنچه میان آسمان و زمین است بهتر خواهد بود.»

(بشر می گوید): عرض کردم: این پاداش کسی است که همه قرآن را بخواند، اما کسی

که همه را نمی خواند چگونه است؟

حضرت فرمود: «ای برادر اسدی! همانا خدا بخشنده، با عظمت و بزرگوار است، هر گاه کسی هر چه از قرآن را که می تواند، بخواند، خدا همان پاداش را به او عطا می کند.»⁽⁸⁰⁾

112- تلاوت قرآن از سر امام

زید بن ارقم گوید: من در غرفه خود نشسته بودم که سر مطهر امام عَلَيْهِ السَّلَامُ را - که بر نی بود - از آنجا عبور دادند. چون رو به روی غرفه من رسید، شنیدم تلاوت می کند: (أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا)؛ آیا پنداشتی که واقعه اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ماست؟!»

مو بر بدنم راست شد و ندا کردم: ای فرزند رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! به خدا سوگند، سر بریده تو شگفت تر است، شگفت تر!

ابو مخنف گوید: سر مبارک امام عَلَيْهِ السَّلَامُ را در بازار صرافان کوفه بر نی داشتند که (شنیده شد): آن سر، صدا صاف کرد و سوره مبارکه کهف را تا آیه شریفه: (إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى) تلاوت فرمود و این واقعه شگفت جز بر گمراهی آنان نیفزود.

در نقل دیگری آمده است: آنان چون سر مبارک امام عَلَيْهِ السَّلَامُ را بر درخت آویختند، از او شنیده شد که: (سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مَنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ)؛ و آنان که ظلم کنند به زودی خواهند دانست که به چه کیفرگاهی بر می گردند.»

نیز در دمشق شنیدند که می گوید: «لا قوة الا بالله»؛ هیچ نیرویی جز از خدا نیست.» و نیز شنیدند که تلاوت می کند: (أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا) زید بن ارقم گفت: کار تو شگفت تر است ای فرزند رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! ⁽⁸¹⁾

113- تلاوت قرآن در شام

حرث بن وکیده گوید: من در میان کسانی بودم که سر مبارک امام علیه السلام را می بردند، ناگاه شنیدم سوره مبارکه کهف را تلاوت می کند. با خود گفتم: آیا این صدای دلنشین ابا عبدالله علیه السلام است که می شنویم؟!

ناگاه فرمود: ای ابن وکیده! آیا نمی دانی ما امامان نزد پروردگار خود زندگانیم؟! با خود گفتم این سر مبارک را می ربایم.

فرمود: «ای ابن وکیده! این کار تو نیست. اینکه خونم را ریختند نزد خداوند متعال عظیم تر از گرداندن سر من (در کوی و برزن ها) است پس ایشان را به حال خود گذار.»
(فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ * إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ)؛ که به زودی (به کیفر کردارشان) پی خواهند برد. آنگاه که گردن هایشان با غل و زنجیرها (ی آتشین) کشیده شود!

منهال بن عمرو گوید: چون سر مطهر امام علیه السلام را به دمشق آورده بر نی حمل می کردند من پیش روی او بودم. شخصی سوره کهف را می خواند تا رسید به آیه شریفه (أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا)؛ آیا پنداشتی که واقعه اصحاب کهف و رقیم از آیات شگفت ماست؟!

به خدا سوگند، ناگاه آن سر مطهر به سخن آمد و با زبان فصیح فرمود:

«شگفت تر از اصحاب کهف واقعه شهادت من و بردن من بر نی است.»

سلمة بن کهیل گوید: سر مطهر امام علیه السلام را دیدم که بر نی این آیه را می خواند:
(فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)؛ دل قوی دارید که خداوند از شر و آسیب ایشان شما را نگاه می دارد و او شنوای داناست.»

114- تلاوت قرآن در نماز

«مَنْ قَرَأَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي صَلَاتِهِ قَائِمًا يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِائَةٌ حَسَنَةً؛
کسی که آیه ای از قرآن را ایستاده در نماز خود بخواند، به هر حرفی یکصد حسنه برای
او نوشته می شود.»⁽⁸²⁾

115- پرورش با قرآن

امام حسین علیه السلام فرمود: فرزندان را با دوست داشتن پیامبر و خاندان او و خواندن
قرآن پرورش دهید که حاملین قرآن در آن زمان که جز سایه لطف پروردگار گسترده
نباشد همراه پیامبران و برگزیدگان خدا در آن سایه مکان گیرند.⁽⁸³⁾

فصل ششم: آثار تربت امام حسین علیه السلام

116- تسبیح با تربت امام حسین علیه السلام

تسبیح فاطمه الزهراء علیها السلام هدیه ای از طرف پدر بزرگوارش بود که مستحب است بعد از نماز یا در وقت خواب خوانده شود.

دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله کنار قبر عموی بزرگوارش جناب حمزه بن عبد المطلب و از تربت شهید برای خود تسبیح درست کرد؛ اینها معنی دارد!

یعنی چه؟ خاک شهید محترم است قبر شهید محترم است، من برای عبادت خدا که می خواهم اذکار خود را بشماریم نیازمند به سبحة ام (تسبیح)، چه فرقی می کند دانه های تسبیح از سنگ باشد یا چوب یا خاک، و از هر خاکی آدم بردارد، برداشته است ولی من این را از خاک تربت شهید برمی دارم و این نوعی احترام به شهید و شهادت است، نوعی به رسمیت شناختن قداست شهادت است، تا آنکه بعد از شهادت وجود مقدس امام حسین علیه السلام، خود به خود لقب سید الشهداء از جناب حمزه گرفته شد و به نوه برادر بزرگوارش حسین بن علی علیه السلام داده شده و بعد از آن دیگر اگر کسی بخواهد به خاک شهید تبرک بجوید از خاک حسین بن علی علیه السلام تهیه می کند.

117- تسبیح از مرقد امام حسین علیه السلام

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«لَا تَسْتَعْنِي شِيعَتُنَا عَنْ أَرْبَعِ حُمْرَةٍ يُصَلِّي عَلَيْهَا وَحَاتِمٍ يَتَخْتَمُ بِهِ وَ سِوَاكَ يَسْتَاكُ بِهِ وَ سُبْحَةٍ مِنْ طِينِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام؛

پیروان ما از چهار چیز بی نیاز نیستند:

1- سجاده ای که بر روی آن نماز خوانده می شود.

2- انگشتری که در انگشت باشد.

3- مسواکی که با آن دندان ها را مسواک کنند.

4- تسبیحی از خاک مرقد امام حسین. ⁽⁸⁴⁾

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«و من كان معه سبحة من طين قبر الحسين عليه السلام كتب مسبحا وان لم يسبح بها؛

کسی که تسبیحی از خاک مرقد حسین علیه السلام با خود داشته باشد تسبیح گوی حق

محسوب می شود گرچه با آن تسبیح نگوید. ⁽⁸⁵⁾

در حدیثی دیگر امام صادق علیه السلام می فرماید: یک ذکر یا استغفار که با تسبیح تربت

حسین علیه السلام گفته شود برابر است با هفتاد ذکر که با چیز دیگر گفته شود.

118- بوی شهید با تربت امام حسین علیه السلام

این خاک پاک به گونه ای است که ذکر گفتن با تسبیح ساخته شده و با سجده کردن

ثواب فراوانی دارد، اگر کسی بخواهد از خاک شهید تبرک بجوید از خاک حسین بن علی

علیه السلام تهیه می کند ما که می خواهیم نماز بخوانیم، و از طرفی سجده بر فرش و بر مطلق

ماءکول و ملبوس را جایز نمی دانیم، با خود خاکی یا سنگی برمی داریم؛ ولی پیشوایان ما

به ما گفته اند:

حالا که باید بر خاک سجده کرد، بهتر که آن خاک، از خاک تربت شهیدان باشد.

اگر می توانید از خاک کربلا برای خود تهیه کنید که بوی شهید می دهد.

تو که خدا را عبادت می کنی سر بر روی هر خاکی بگذاری نمازت درست است، ولی

اگر سر بر روی آن خاکی بگذاری که تماس کوچکی، قرابت کوچکی، همسایگی کوچکی

با شهید دارد و بوی شهید می دهد اجر و ثواب تو صد برابر می شود. ⁽⁸⁶⁾

119- اولین نمازگزار بر تربت امام حسین علیه السلام

اولین امامی که بر تربت امام حسین علیه السلام نماز گزارد، امام زین العابدین علیه السلام بود بعد از آنکه از دفن پدر و اهل بیت و پدر گرامیش فارغ شد، یک مشت از خاک زیر جسد شریف پدر که شمشیرها آن را مانند گوشت روی تخته قصابان پاره پاره کردند برداشت و آن را در کیسه ای بست آنگاه از آن مهر و تسبیحی درست کرد و این تسبیح همان تسبیحی است که هنگام ورود به شام در دست داشت و می گرداند. یزید از او سوال می کند که این چیست که در دستانت می چرخانی؟

امام علیه السلام در جواب از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله خبری را نقل می کنند به این مضمون که، کسی که تسبیحی در دست داشته باشد و دعای مخصوص را بخواند تمام آن روز برای او ثواب ذکر سبحان الله نوشته می شود، اگر چه ذکری هم نگفته باشد.

و هنگامی که امام علیه السلام با اهل بیتشان به مدینه برمی گردند با این تربت خود را متبرک و بر آن سجده و بعضی از بیماری های اهل بیتشان را معالجه می نمایند. از آن پس این عمل نزد علویین و اتباع و پیروان آنان رایج شد. ⁽⁸⁷⁾

120- همراه داشتن تربت امام حسین علیه السلام

همراه داشتن تربت سید الشهداء علیه السلام ایمنی بخش است، چنانکه فرمودند: هرگاه از سلطان یا دیگری ترس داشتی از منزلت بیرون میا مگر اینکه تربت همراهت باشد. ⁽⁸⁸⁾

121- صورت بر تربت امام حسین علیه السلام

امام صادق علیه السلام در زمان حیات خویش سجده کنان و گریان، هر کسی را که چهره بر تربت حسین علیه السلام می نهد، و هر کسی را که بر او اشک می ریزد و هر کسی را که در سوگ او شیون می کند همه را دعا می فرمود. ⁽⁸⁹⁾

122- سجده بر تربت امام حسین علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود:

«السجود على طين قبر الحسين علیه السلام ينور الى الارض السابعة؛

سجده بر تربت قبر حسین علیه السلام تا زمین هفتم را نور باران می کند.»⁽⁹⁰⁾

«امام صادق علیه السلام می فرماید: السجود على تربة الحسين علیه السلام يخرق الحجب السبعة؛

سجده بر خاک حسین علیه السلام حجاب های هفتگانه را می دردد.»⁽⁹¹⁾

در ارشاد القلوب بیان شده: «كان الصادق علیه السلام لا يسجد الا على تربة الحسين علیه السلام

تذلل الله و استكانة اليه؛ امام صادق علیه السلام جز بر تربت امام حسین علیه السلام سجده نمی کرد تا

در پیشگاه خدا اظهار خواری و فروتنی کند.»⁽⁹²⁾

123- شفا گرفتن از تربت امام حسین علیه السلام

در تربت امام حسین علیه السلام شفای تمام دردهاست مگر مرگ حتمی با چند شرط:

الف: اعتقاد به شفاء بودن تربت داشته باشد، و به قصد شفا بخورد «وَمَنْ أَكَلَهُ لِشَهْوَةٍ لَمْ

يَكُنْ فِيهِ شِفَاءٌ» در روایتی فرمودند: والله هر کس اعتقاد داشته باشد که به او نفع می

بخشد البته منتفع می شود.

ب: بیمار در آستانه اجل حتمی نباشد چون اجل حتمی علاج پذیر نیست.

ج: تربت را با وضو بردارد.

د: با دو انگشت بردارد.

ه: به اندازه نخود، بلکه احوط آن است که به قدر عدس مصرف کند، نه بیشتر.

و: آن را بیوسد و بردیدگانش بگذارد.

ز: در وقت خوردن یا خوراندن بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَلَلَّهُمْ إِجْعَلُهُ رِزْقاً وَ أَسِعاً وَ عِلْماً

نَافِعاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

ح: آن را سبک نشمارد، در ظروف یا مکان های نامناسب نگذارد، خیلی دست بر آن نمالد. یا جایی که زیاد دست مالی می شود نگذارد.

ط: فاصله تربتی که برای شفا استفاده می کنند از قبر مطهر تا چهار میل باشد نه بیشتر. و هر چه به قبر شریف نزدیک تر باشد بهتر است.

ی: خوب است تربت را در دهان بگذارد و بعد جرعه ای آب بخورد و بگوید: «اللَّهُمَّ
اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ»⁽⁹³⁾.

124- تاثیر تربت امام علیه السلام در قبر

با میت در قبر گذاشتن و کفن را با آن نوشتن، یکی از برکات تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام این است که اگر با میت در قبر بگذارند، آن میت از عذاب و تاریکی قبر در امان خواهد ماند.

از امام موسی علیه السلام روایت شده که فرموده اند: هرگاه میت را در قبر گذاشتید مهری از تربت امام حسین علیه السلام را مقابل رویش بگذارید نه زیر سرش.
از امام صادق علیه السلام روایت شده نوشتن اعتقادات به وسیله تربت امام حسین علیه السلام بر کفن میت، روشنی مومن به هنگام تاریکی قبر و امان در وقت سوال و هول و هراس قیامت است.

ظاهراً روایت محمد بن مسلم که دلالت دارد خاک قبور رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام شفای دردها و سپر بلاهاست و هیچ چیز با آن برابری نمی کند مگر دعا، منظور همراه داشتن است نه خوردن، برای اینکه روایات فراوانی دلالت دارد که خوردن خاک مثل میت و خون حرام است و به جز خاک قبر امام حسین علیه السلام که شفای تمام دردهاست است
«وهو الدواء الاکبر»⁽⁹⁴⁾

125- درست کردن تسبیح با تربت

با تربت تسبیح درست کردن که با آن ذکر گفتن و در دست داشتن فضیلت عظیم دارد. از ویژگی های این تسبیح این است که در دست آدمی تسبیح می گوید بدون آنکه صاحبش تسبیح بگوید. البته این همان تسبیحی است که خداوند فرمود: **(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ)**⁽⁹⁵⁾؛ هر موجودی تسبیح و حمد او می گوید، ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید. به هر حال تسبیح تربت، تسبیحی می گوید که ما نمی فهمیم.» و این ویژگی در تربت حضرت سید الشهداء ارواحنا له الفداء است.⁽⁹⁶⁾

126- ذکر با تربت امام حسین علیه السلام

از امام رضا علیه السلام روایت شده که هر کس با تربت امام حسین علیه السلام بگوید: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر با هر ذکر، خداوند شش هزار درجه بالا برده و شش هزار شفاعت برای او می نویسد.

و از امام صادق علیه السلام نقل شده: هر کس سنگ هایی را که از تربت امام حسین علیه السلام درست می کنند (یعنی تسبیح پخته) بگرداند، به تعداد هر استغفر الله ربی و اتوب الیه هفتاد استغفاری برای او ثبت می شود و اگر تسبیح در دستش باشد و ذکر نگوید به عدد هر دانه هفت مرتبه استغفار برای او نوشته می شود.

در روایت دیگر فرمودند: کسی که با تسبیح تربت یک مرتبه «سبحان الله» بگوید چهارصد حسنه برای او نوشته می شود، چهارصد گناهش برطرف، چهارصد درجه اش بالا، چهارصد حاجتش برآورده می گردد ⁽⁹⁷⁾

127- عزا فرشتگان در کنار قبر امام حسین علیه السلام

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند: سوگند به آنکه جانم به دست اوست، چهار هزار فرشته کنار قبر امام حسین علیه السلام تا روز قیامت خاک عزا بر سر می ریزند و بر آن بزرگوار گریه می کنند.

در روایت دیگر است که خداوند هفتاد هزار فرشته را بر قبر امام حسین علیه السلام باز داشته که سوگواری کرده و نماز می گزارند و برای زائران آن حضرت (که عارف به حق آن حضرت باشند) دعا می کنند و به رئیس آنها منصور گفته می شود، هیچ زائری به زیارت امام حسین نمی رود مگر اینکه او را مشایعت می نمایند، بیمار نمی شود مگر اینکه به عیادت او می روند، نمی میرد مگر اینکه بر جنازه اش نماز می گزارند و بعد از فوتش برای او استغفار می کنند. ⁽⁹⁸⁾

128 - شفای چشم

محدث قمی در فواید الرضویة آورده که سید نعمت الله جزایری قدس سره در تحصیل علم زحمت بسیار کشیده و رنج فراوان دیده در اوایل تحصیل که قادر نبوده چراغ تهیه کند به هنگام مطالعه بسیاری از شب ها از نور ماه استفاده می کرده و شب های بی ماه متون محفوظه را مکرر می کرده لاجرم از کثرت مطالعه در مهتاب و نوشتن دروس و کتاب چشمانش ضعیف شده، ولیکن آن بزرگوار تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام و خاک قبور سایر شهداء کربلا را به چشمان خود کشیده و به برکت آن تربت ها چشمانش روشن شده است. (99)

129 - احترام امام زمان علیه السلام

یکی از بانوان مومنه پرهیزگار به نام خدیجه ظهوریان فرزند عباسعلی که هم اکنون قریب نود سال از عمر با برکت خود را پشت سر گذاشته و با آنکه نزدیک ده سال است بر اثر سکتة از پا در آمده و با کمک دو عصا خود را به این سو و آن سو می کشاند نماز جماعتش ترک نمی شود، نقل می کند:

حدود سی سال قبل مهر تربتی را که خود از کربلا آورده بودم کثیف شده بود، آن را بردم در آب روان (آب خیابان وسط شهر مشهد مقدس) شستشو دادم و در میان سطل گذاشته برگشتم، روبروی مسجد دوازده امامی ها که رسیدم با خود گفتم: خوب است مهر را برگردانم، تا وقتی که به منزل می رسم طرف دیگرش نیز خشک شود، مهر را که برگردانیدم بر اثر خیس بودن طرف زیرین مهر قدری تربت به انگشت بزرگم چسبیده انگشتم را به دیوار رو به روی مسجد مالیده و رفتم.

شب در خواب دیدم آقای بزرگواری که به ذهنم رسید حضرت حجة بن الحسین امام
زمان ارواحنا له الفداء هستند، سرشان را به همان جای دیوار که ذکر شد گذاشته و به من
می فرمایند: «اینجا تربت جدم (حسین علیه السلام) را مالیده ای!»⁽¹⁰⁰⁾

130- بی احترامی به تربت امام حسین علیه السلام

موسی بن عبدالعزیز می گوید: یوحنا (طیب نصرانی) به من گفت: تو را به حق پیغمبرت و دینت سوگند می دهم که بگویی این کیست که مردم به زیارت قبر او می روند؟ آیا او از اصحاب پیغمبر شما است؟

گفتم: نه، بلکه او امام حسین علیه السلام پسر دختر پیغمبر ما است. منظورت از این سوال چیست؟

گفت: خبر شگفتی دارم و ادامه داد که: یک شب شاپور، خادم رشید مرا احضار کرد، نزد او رفتم، امر مرا به خانه موسی بن عیسی که از خویشان خلیفه بود برد، دیدم موسی بی هوش در رختخواب خود افتاده و طشتی پیش روی او گذاشته اند که تمام احشاء و امعاء او در آن ریخته بود.

شاپور از خادم موسی پرسید: این چه حال است که برای موسی رخ داده؟ خادم گفت: یک ساعت قبل حالش خوب و با خوشحالی نشسته بود و با ندیمان خود صحبت می کرد! شخصی از بنی هاشم اینجا بود، گفت: من بیماری سختی داشتم و با هر چه معالجه کردم مفید واقع نشد تا اینکه کاتب من گفت: از تربت امام حسین علیه السلام استفاده کنم، این کار را کردم و شفا یافتم.

موسی گفت: از آن تربت چیزی نزد تو باقی مانده است؟ گفت: بله، شخصی را فرستاد و قدری از آن تربت را که باقی مانده بود آورد. موسی آن را گرفت و از روی بی احترامی در نشیمنگاه خود داخل کرد! در همان ساعت فریاد او بلند شد که «النار، النار؛ آتش، آتش» طشتی بیاورید، این طشت را آوردند و اینها امعاء و احشاء اوست که از او خارج شده است! ندیماناش متفرق شدند و مجلس سرور موسی به ماتم مبدل شد. شاپور به من گفت: بیا نگاه کن، آیا می توانی او را معالجه کنی؟

من چراغ طلبیدم و آنچه در طشت بود به دقت نگاه کردم دیدم جگر، سپرز و شش و دلش همه از او خارج شده است!

تعجب کردم و گفتم: «مالا حد فی هذا صنع الا ان يكون لعيسى الذی كان یحیی الموتی؛ هیچ کس نمی تواند درباره این شخص کاری بکند مگر حضرت عیسی که مرده را زنده می کرد.»

شاپور خادم گفت: راست گفتی، ولیکن اینجا باش تا معلوم شود که حال موسی به کجا ختم می گردد.

یوحنا گفت: من آن شب نزد ایشان ماندم و موسی سحرگاه به جهنم واصل گردید. پسر عبدالعزیز می گوید: یوحنا با وجودی که نصرانی بود مدتی به زیارت امام حسین می آمد، تا اینکه به دین اسلام گروید و اسلامش نیکو گردید. ⁽¹⁰¹⁾

131- قداست تربت امام حسین علیه السلام

او در سرزمین کربلا، در آن بیابان خشک و بی آب به شهادت رسید.
کربلا فرودگاه حسین بود و سرزمین آن در برگیرنده پیکر حسین علیه السلام و یاران و فرزندان اوست.

مراسم شب عاشورای حسین و یارانش در آن سرزمین برگزار شد.
صدای زمزمه مناجات او و یاران و اهل خانواده اش آن منطقه و آن سرزمین را عطر آگین کرده بود. فریاد حق طلبی حسین علیه السلام، صدای هل من ناصر حسین، حق گویی های حماسه آفرین حسین علیه السلام، احتجاجات خدا پسندانه حسین، نصایح و مواعظ او در روز عاشورا و قبل از آن همه و همه در آن سرزمین است.

و از همه مهم تر کدام سرزمین است که آن همه خون های مقدس و به راه خدا ریخته، و توام با خلوص و اخلاص را در خود ذخیره داشته باشد؟ و کدام سرزمین است که آن همه پیکرهای مقدس شهیدان و آن همه ثار الله را در خود جای داده باشد.

پس آن سرزمین به برکت خون مظلومان تاریخ مقدس است، خاک و تربت آن نیز قد است یافته است. آنچنان که خدای در تربت او شفا قرار داده است، و خاک او را حرز و پاسدار جان ها به حساب آورده است.

همچنان خاک او سجده گاه عاشقان است و مهر و تسبیح عبادت کاران است و کام کودکان نوزاد شیعی در ولادت با تربت حسین متبرک و آشنا می شود و هم در طول مدت عمر یک شیعی، خاک کربلایش مهر نماز است و در حین دفن زینت بخش کفن و مایه آرامش و امان میت است. علی علیه السلام در گذر از آن سرزمین، در واقعه صفین فرمود: «وَأَهَّا لَكَ أَيُّهَا التُّرْبَةُ لِيُحْشَرَ مِنْكَ قَوْمٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ»

خوشا به سعادت تو ای خاک پاک کربلا! از تو قومی محشور می شوند که بدون

حساب وارد بهشت می گردند ⁽¹⁰²⁾.

132- برکت تربت امام حسین علیه السلام

در زمان امام صادق علیه السلام زن بدکاری بود که هرگاه بچه دار می شد، بچه خود را می سوزانید. هنگامی که از دنیا رفت چند مرتبه او را به خاک سپردند ولیکن زمین او را قبول نکرد و او را از قبر بیرون افکند!

جریان را به عرض امام صادق علیه السلام رسانیدند، فرمودند: «اجعلوا معها شیئا من ترابه الحسین؛ قدری از تربت جدم حسین علیه السلام را با او دفن کنید.» به دستور امام علیه السلام عمل کردند، خاک او را قبول کرد و دیگر او را بیرون نینداخت. ⁽¹⁰³⁾

133- سلام امام زمان علیه السلام بر تربت امام حسین علیه السلام

در عظمت حسین و قبول تقرب و اخلاص او در پیشگاه خدا همین بس که خدای در خاک حسین علیه السلام شفا قرار داده. در این زمینه اسناد بسیاری وجود دارد که در دسترس ترین آنها زیارت منسوب به امام زمان علیه السلام است:

«السَّلَامُ عَلَى مَنْ جَعَلَ اللَّهُ الشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ؛ سلام بر (حسین) کسی که خداوند در تربت او شفاء قرار داده است.»

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

«ان الله تعالى عوض الحسين من قتله: (أَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، وَالشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ، وَ إِبْجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ)؛

خداوند تبارک و تعالی در پاداش قتل حسین این عوض را معین فرمود: که امامت را در ذریه او قرار داد، و در تربت او شفا قرار داد، و در کنار قبرش وعده اجابت به در خواست ها داد. ⁽¹⁰⁴⁾

فصل هفتم: نماز زیارت

134- تمام خواندن نماز

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

نماز در چهار مکان تمام خوانده می شود (یعنی اگر چه از حد مسافت شرعی هم بیشتر باشد اما شکسته نمی شود):

1- مسجد الحرام (مکه).

2- مسجد الرسول (مدینه).

3- مسجد کوفه.

4- حرم امام حسین علیه السلام.

در روایت آمده که: «ابن شبل از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کنم؟

فرمود: پاک و خوب زیارت کن و نمازت را در حرمش تمام بخوان.

پرسید: نماز را تمام بخوانم؟

فرمود: تمام.

عرض کرد: بعضی از اصحاب و شیعیان شکسته می خوانند؟

فرمود: اینان دو چندان عمل می کنند. ⁽¹⁰⁵⁾

و در رساله های عملیه آمده که در حرم امام حسین علیه السلام می توان نماز را هم شکسته

خواند و هم به برکت آن حضرت تمام به جا آورد. ⁽¹⁰⁶⁾

135- نماز زائر امام حسین

اگر انسان زائر، حق امام را شناخته و با معرفت و ولایت او در کنار قبر مطهرش نماز گزارد مورد قبول حق تعالی قرار می گیرد. چنانکه امام حسین علیه السلام در شان و مقام کسی که به مرقد و بارگاه شریف حضرت مشرف شده و نماز بخواند فرمود: خداوند متعال اجر نمازش را قبولی آن قرار می دهد. ⁽¹⁰⁷⁾

136- نماز حاجت

هرگاه حاجت مهمی داشتی در روز جمعه چهار رکعت نماز امام حسین علیه السلام را که هشتصد مرتبه حمد و اخلاص دارد بخوان، در رکعت اول پس از توجه (و تکبیرة الاحرام) پنجاه مرتبه حمد را و پنجاه مرتبه هم اخلاص را بخوان پس در رکوع ده بار حمد را، و ده بار اخلاص را بخوان، پس از رکوع، باز هم حمد را ده بار و اخلاص را ده بار، و اینچنین در احوال دیگر نماز ادامه بده تا در هر رکعتی دویست بار حمد و اخلاص تمام شود.

سپس دعای نقل شده را می خوانی (و حاجت خویش را می طلبی) ⁽¹⁰⁸⁾

137- ماز بر رفع حوائج

از امام حسین علیه السلام روایت شده است که، (در حوائج مهمه) چهار رکعت نماز می گذاری، قنوت و ارکان آنها را نیکو انجام می دهی، در رکعت اول حمد را یک بار و «حسبنا الله و نعم الوکیل» را هفت بار می خوانی و در رکعت دوم حمد را یک بار و «ما شاء الله لا قوة الا بالله» را هفت بار می خوانی و در رکعت سوم حمد را یک بار و «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین» را هفت بار می خوانی، و در رکعت چهارم حمد را یک بار، «وَأَقْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» را هفت بار می خوانی، سپس حاجت خود را می طلبی. ⁽¹⁰⁹⁾

138- نماز مقدس اردبیلی کنار قبر امام حسین علیه السلام

درباره زهد مقدس اردبیلی نقل شده که در سفر زیارت مخصوصه حضرت امام حسین که از نجف مشرف می شد نماز خود را جمع می نمود (هم شکسته و هم تمام می خواند) و می فرمود: می ترسم سفرم سفر معصیت باشد؛ چون که طلب علم واجب است و زیارت امام حسین علیه السلام سنت است.

البته مقدس اردبیلی در این سفرها حتی الامکان از مطالعه و تفکر در مشکلات علوم فارغ نبود. ⁽¹¹⁰⁾

فصل هشتم: آثار و برکات زیارت عاشورا

139- تعلیم زیارت عاشورا

علقمه بن محمد حضر می گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: به من دعایی تعلیم بده که با آن دعا در این روز (عاشورا) هنگامی که زیارت می کنم او را (امام حسین علیه السلام) بخوانم. و دعایی تعلیم بده که با آن دعا، هنگامی که او را از نزدیک یا هنگامی که از خانه ام و از راه دور (و به قصد زیارت بدان سو) اشاره می کنم، بخوانم. حضرت فرمود: ای علقمه پس از آن که به آن حضرت با سلام اشاره کردی، دو رکعت نماز بخوان و پس از آن این قول (متن زیارت) را می خوانی.

پس هنگامی که این زیارت را خواندی در حقیقت او را به چیزی خواندی که هرکس از ملایکه که بخواهند او را زیارت کند به آن می خواند. و خداوند برای تو هزار هزار سیئه محو می کند، تو را هزار هزار درجه بالا می برد.

جزو کسانی می باشی که در رکاب حضرت به شهادت رسیدند، حتی در درجات آنها هم شریک می شوی و برای تو ثواب هر پیامبر و رسولی و هر کس که حسین علیه السلام را از زمان شهادتش تا به حال زیارت کرده، را می نویسند. می گویی: «السلام علیک یا ابا عبدالله... پس از نقل زیارت می فرماید: یا علقمة ان استطعت ان تزوره فی کل یوم بهذه الزیارة من دهرک فافعل. فلک ثواب جمیع ذلک ان شاء الله؛ ای علقمه! اگر توانستی هر روز از عمرت آن حضرت را با این زیارت، زیارت کنی، این کار را انجام بده، پس برای تو ثواب تمام این زیارت است.»

140- سفارش امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام به صفوان می فرماید:

زیارت عاشورا را بخوان و از آن مواظبت کن، به درستی که من چند چیز را برای خواننده آن تضمین می کنم.

1- زیارتش قبول شود.

2- سعی و کوشش او مشکور باشد.

3- حاجات او هر چه باشد از طرف خداوند بزرگ برآورده شود و ناامید از درگاه خدا برنگردد....

بعد فرمود: ای صفوان! هرگاه حاجتی برای تو به سوی خداوند متعال روی داد. پس به وسیله این زیارت به سوی آن حضرت توجه کن از هر جا و مکانی که هستی و این دعا را بخوان و حاجتت را از پروردگار خود بخواه که برآورده می شود و خداوند وعده خود را خلاف نخواهد کرد.

آری، هر کس حاجت بزرگی داشته باشد حوایج و خواسته هایش با چهل روز خواندن زیارت عاشورا برآورده می شود. تجربه گواه هر عارف و عامی است که ما در این جا نمونه هایی از حکایات را خواهیم آورد.

141- سیره شیخ مرتضی انصاری رحمته الله

در شرح احوال مرحوم شیخ مرتضی، نواده شیخ انصاری آورده اند که؛
«از جمله عاداتش خواندن زیارت عاشورا بوده که در هر روز، دو بار صبح و عصر آن را می خواند و بر آن بسیار مواظبت می نمود. بعد از وفاتش کسی او را در خواب دید و از احوالش پرسش کرد؛ در جواب سه مرتبه فرمود: «عاشورا، عاشورا، عاشورا»»

142- سیره میرزای قمی

این مرد بزرگ، هرگز نماز شب و زیارت عاشورا و نماز جماعت را ترک نکرد، و هرگاه به مسجد نمی رفت، در منزل با زن و فرزند خود نماز جماعت می خواند. بسیار با انصاف بود و با افراد مستمند مواسات می ورزید. و در اصلاح امور مسلمان ها، اهتمامی عجیب داشت. حاکم دهکده خوانسار دستور داد مخصوص وی، یک مسجد جامع ساختند که همیشه نماز جمعه و جماعتش در آن مسجد برپا می شد.

143- سیره شهید قدوسی

شهید آیت الله قدوسی رحمته الله به خاندان عصمت و طهارت عشق می ورزید، به زیارت جامعه و عاشورا، و توسل به خاندان پیغمبر و شرکت در جلسات روضه و سوگواری حضرت سید الشهداء مقید بود.

مرحوم قدوسی می فرمود: علامه طباطبایی، به این معنا تاکید دارد و در ایام محرم و صفر، زیارت عاشورایش ترک نمی شود و به زیارت جامعه اهتمام دارد.

144- دریافت علوم خاص

یکی از دوستان مرحوم قدوسی می نویسد:

... ظاهرا ایشان نسبت به «زیارت عاشورا» مواظبت داشت. چون، موقعی که دادستان کل بود، من در خواب دیدم که بر اثر خواندن زیارت عاشورا، به ایشان علوم خاصی داده شده، وقتی به ایشان عرض کردم، متاثر شد و گفت: مدتی است توفیق پیدا نکرده ام. و این بر اثر کثرت کارشان در دادستانی بود، و آن کارها را ولی می دانست؛ از این رو بود که فرمود:

مدتی است که به خواندن زیارت عاشورا، موفق نشده ام.

145- سیره میرزای محلاتی

مرحوم میرزای محلاتی سی سال آخر عمرش، زیارت عاشورا را ترک نکرد و هر روز که به سبب بیماری یا امری دیگر نمی توانست بخواند، نایب می گرفت.

146- رفع بیماری و بلا

شهید دستغیب می نویسد: از مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری نقل شده است: اوقاتی که در سامراء مشغول تحصیل علوم دینی بودم، اهالی سامراء به بیماری وبا و طاعون مبتلا شدند و همه روزه عده ای می مردند.

روزی در منزل استادم مرحوم سید محمد فشارکی، عده ای از اهل علم جمع بودند، ناگاه مرحوم آقای میرزا محمد تقی شیرازی تشریف آوردند و صحبت از بیماری وبا شد که همه در معرض خطر مرگ هستند.

مرحوم میرزا فرمود: اگر من حکمی بکنم آیا لازم است انجام شود یا نه؟

همه اهل مجلس پاسخ دادند بلی. فرمود: من حکم می کنم که شیعیان ساکن سامراء از امروز تا ده روز، همه مشغول خواندن زیارت عاشورا شوند، و ثواب آن را به روح نرجس خاتون، والده ماجده حضرت حجة ابن الحسن علیه السلام هدیه نمایند تا این بلا از آنان دور شود. اهل مجلس این حکم را به تمام شیعیان رساندند و همه مشغول خواندن زیارت عاشورا شدند.

از فردای آن روز تلف شدن شیعه موقوف شد و همه روزه، تنها عده ای از سنی ها می مردند به طوری که بر همه آشکار گردید. برخی از سنی ها از آشنایان شیعه خود پرسیدند؛ سبب این که دیگر از شما کسی تلف نمی شود چیست؟ به آنها گفته بودند زیارت عاشورا. آنها هم مشغول شدند و بلا از آنها هم بر طرف گردید.

در منزل میرزای شیرازی در کربلا ایام عاشورا، روزه خوانی بود و روز عاشورا به اتفاق طلاب و علما به حرم حضرت سید الشهداء و حضرت ابوالفضل می رفتند و عزاداری می نمودند. عادت میرزا این بود که هر روز در غرفه خود، زیارت عاشورا می خواند، سپس پایین می آمد و در مجلس عزا شرکت می کرد. یکی از بزرگان می گوید: روزی خودم حاضر بودم که پیش از وقت پایین آمدن، ناگاه میرزا با حالت غیر عادی و پریشان و نالان از پله های غرفه به زیر آمد و داخل مجلس شد و فرمود: امروز باید از مصیبت عطش حضرت سید الشهداء بگویید و عزاداری کنید. تمام اهل مجلس منقلب شدند و بعضی بیهوش شدند. سپس با همان حالت به اتفاق میرزا به صحن و حرم مقدس مشرف شدیم، گویا میرزا به این تذکر مامور شده بود.

147- مداومت به خواندن زیارت عاشورا

یکی از بزرگان می فرمود: مرحوم آیه الله حاج آقا حسین خادمی و حاج شیخ عباس قمی و حاج شیخ عبدالجواد مداحیان روضه خوان امام حسین را در خواب دیدم که در غرفه های بهشتی دور یکدیگر جمع بودند. از آیه الله خادمی احوالپرسی کردم و گفتم: با هم بودن شما یک آیه الله و آقای حاج شیخ عباس قمی یک محدث و حاج شیخ عبدالجواد روضه خوان امام حسین علیه السلام چه مناسبتی دارد که با یکدیگر یک جا قرار گرفته اید؟

جواب دادند: ما همگی مداومت به زیارت عاشورا داشتیم و در مقدار خواندن زیارت عاشورا مثل هم بودیم.

148- توسعه رزق و روزی

عالم جلیل و زاهد مسلم حاج آقای شیخ عبدالجواد حایری مازندرانی فرمود: روزی کسی آمد خدمت خلد مکان شیخ الطائفه زین العابدین مازندرانی علیه السلام شکایت از تنگی معاش خود کرده، شیخ به او فرمود: برو حرم حضرت ابا عبدالله علیه السلام زیارت عاشورا بخوان رزق و روزی به تو خواهد رسید اگر نرسید بیا نزد من، من خواهم داد. آن بنده خدا رفت. بعد از زمانی آمد خدمت آقا، آقا فرمود: چه کار کردی؟ گفت: در حرم مشغول خواندن زیارت عاشورا بودم کسی آمد و وجهی به من داد و در توسعه قرار گرفتم.

149- بهترین عمل برای سفر آخرت

مرحوم آیه الله سید محمد حسین شیرازی نوه مرحوم آیه الله العظمی میرزای شیرازی بزرگ بعد از وارد شدن به ایران و مسدود شدن راه عراق در اثر جنگ جهانی دوم به اینجا آمد و برای خانواده اش که در نجف بودند، فوق العاده ناراحت می شود مراجعه می

کند به کسی که ارتباط با ارواح برقرار می کرده - نه به وسیله هیپنوتیزم... دو سوال می کند مطابق با واقع جواب می آید، علاقمند می شود، سوال سوم می کند: بهترین عمل برای سفر آخرت چیست؟ بعد از موعظه ها چنین جواب می آید بهترین عمل برای سفر آخرت زیارت عاشورا است. بدین جهت مرحوم آیه الله سید محمد حسین شیرازی تا آخر عمر ملتزم و مداوم به زیارت عاشورا بود.

150- رفع گرفتاری

یکی از علما و حجج اسلام و از ذریه رسول الله ﷺ در یادداشت های خود چنین فرموده بود: شبی از طریقی به من الهام شد که مبلغ چهل و پنج هزار تومان بر درب مغازه یکی از بندگان خدا که مرد محترمی از اهل اصفهان است (و نخواستہ اسمش گفته شود) صبح متحیر بودم چه کنم، آیا آنچه فهمیدیم صحیح است یا نه و نمی دانستم چقدر پول دارم؟ وقتی مراجعه کردم دیدم موجودی من چهل و پنج هزار تومان است، اول وقت رفتم درب مغازه آن آقا که از محترمین آن شهر بود، دیدم دو نفر درب مغازه او ایستاده اند، به آن آقا گفتم: من با شما کاری دارم، می خواهم با هم برویم جایی و برگردیم.

گفت: بسیار خوب. من ایشان را بردم مسجدالنبی واقع در خیابان جی، آنجا عمله و بنا کار می کردند، لب ایوان طرف قبله نشستیم.

من به ایشان گفتم: من مامور هستم گرفتاری شما را اصلاح کنم، مشکلی داری بگو، هر چه اصرار کردم نگفت، بالاخره آن مبلغ را به ایشان دادم ولی نگفتم چقدر است. ایشان بی اختیار به گریه افتاد و گفت:

من چهل و پنج هزار تومان قرض داشتم، چهل زیارت عاشورا نذر کردم بخوانم و امروز بعد از اذان آخر آن را خواندم و از آقا ابی عبدالله الحسین ع خواستم رفع گرفتاریم شود که بحمد الله گره باز گردید.

151- شفای بیمار

یکی از فامیل های نزدیک آقا سید زین العابدین ابرقویی سخت دچار دل درد می شود تا حدی که خون از گلوی او بیرون می آید، دکترها مایوس شده و دستور حرکت به تهران و عمل جراحی را خبر دادند، خبر را به آقا سید زین العابدین رساندند و درخواست دعا و توسل نمودند، ایشان به فرزندان خود دستور دادند وضو بگیرند و در میان آفتاب مشغول می شوند، پس از ساعتی ناگهان از اطاق خود بیرون آمده و گفتند:

شفا حاصل شد، برخیزید و مژده دهید به مادرتان که خداوند برادرت را شفا داد.

یکی از علمای اصفهان که از ملازمین ایشان بودند گفتند:

آقای سید زین العابدین ختم زیارت عاشورا برداشته بودند برای کمالات نفسانی و رسیدن به درجه یقین، بدین جهت آن حالات برای ایشان پیدا شده بود. شرح حال سید زین العابدین ابرقویی طباطبایی مولف کتاب ولایة المتقین.

فصل نهم: مناجات و دعا

152- زمزمه دعا در سجده

از کتاب مقتل الحسین اخطب خوارزم نقل شده که گفته است که شریح گوید به مسجد رسول خدا ﷺ در مدینه وارد شدم. در آنجا حسین بن علی علیه السلام را دیدم که به سجده رفته و گونه بر خاک نهاده و می گوید:

«سیدی و مولای! المقام الحديد خلقت اعضائی، ام لشرب الحمیم خلقت امعائی، الهی لئن طالبتنی بذنوبی لا طالبنک بکرمک، و لئن حبستنی مع الخاطئين لا خبرنهم بحبی لک، سیدی! ان طاعتی لا ینفعک و معصیتی لا تضرک فهب لی ما لا ینفعک، و اغفر لی ما لا یضرک، فانک ارحم الراحمین؛ یعنی، ای آقا و مولای من! آیا برای گرزهای آهنین اعضای مرا آفریدی یا برای شراب حمیم (جهنم) احشاء و امعای مرا خلق فرمودی؟ خدایا! اگر مرا به گناهانم بگیری من از تو کرم و بزرگواریت را مطالبه می کنم، و اگر مرا با خطاکاران به زندان افکنی محبت و دوستی تو را که در دل دارم به آنها بازگو کنم، ای آقای من! به راستی که اطاعت و فرمانبرداری من، تو را سود ندهد، و نافرمانی و معصیت من نیز تو را زیان نرساند. پس آنچه را سودت ندهد به من ببخش و آنچه را زیانت نرساند از من بپامرز؛ که به راستی تو مهربان ترین مهربانانی.»⁽¹¹¹⁾

153- دعای امام حسین علیه السلام هنگام صبح عاشورا

از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده که فرمود: صبح عاشورا چون سپاه دشمن (برای نبرد) بر حسین علیه السلام رو آورد، امام علیه السلام دست به دعا برداشت و عرض کرد: «بارالها! در هر اندوهی، تکیه گاه منی و در هر سختی امید منی، در هر حادثه ناگواری که بر من آید، پشت و پناه و ذخیره منی! چه بسا غمی که در آن دل، ناتوان و چاره، نایاب و دوست، خوار و دشمن، شاد می شد و من آن را به درگاہت آورده به تو شکوه کردم، تا از جز تو

بریده تنها به تو رو آورده باشم و تو گشایش دادی و آن را از من راندی، پس تو دارنده هر نعمت و صاحب هر نیکی و مقصد اعلای هر خواسته ای. ⁽¹¹²⁾»

154- نجات زنی به دعای امام علیه السلام

ایوب بن اعین از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: زنی طواف می کرد و پشت سر او مردی بود، آرنج آن زن بیرون افتاد، آن مرد (تحریک شد و) دستش را بر آرنج زن نهاد، پس خدا دست او را به دست زن چسبانید تا اینکه طواف تمام شد، از پی فرماندار مکه فرستادند، و مردم جمع شدند، (فرماندار آمد) و سراغ فقهای مکه فرستاد، فقهاء می گفتند: دست مرد را قطع کن؛ زیرا او (در یک چنین مکان مقدسی) جنایت کرده است. فرماندار پرسید: آیا در مکه کسی از فرزندان محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله حضور دارد؟ گفتند: بله، حسین بن علی علیه السلام دیشب وارد مکه شده است.

از پی حضرت علیه السلام فرستاد و او را (به آنجا) دعوت نمود، چون حضرت علیه السلام حضور یافت، فرماندار گفت: (ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله) گرفتاری این دو را ببین؟! حضرت علیه السلام رو به قبله ایستاد و دست ها را بالا آورده مدتی طولانی دعا فرمود، سپس به سوی آن دو آمد و دست مرد را از دست زن نجات داد. فرماندار عرض کرد: آیا مرد را به خاطر گناهش مجازات نکنیم؟ حضرت فرمود: نه. ⁽¹¹³⁾

155- اجابت دعای امام

ابن اعثم گوید: سواره ای از لشکر ابن سعد به نام مالک بن حوزة آمده نزد خندق ایستاد و فریاد کرد: ای حسین! مژده باد که آتش دنیا قبل از آخرت می سوزاند! امام علیه السلام فرمود: «ای دشمن خدا! دروغ گفتی، من بر پروردگاری رحیم و صاحب شفاعتی که (فرشتگان) فرمائش برند درآیم و آن جدم رسول خداست.» سپس فرمود «این مرد کیست؟»

گفتند: مالک بن حوزه.

امام فرمود: «خدایا! او را در آتش بلا و پیش از آخرت در دنیا پیش بسوزان.»
پس بی درنگ اسب مالک بر او آویخته او را در آتش افکند و سوخت. امام علیه السلام به سجده افتاد و سر برداشت و فرمود: عجب دعایی! چه زود به اجابت رسید!
سپس ندا فرمود: «خدایا! ما خاندان و ذریه و خویش پیامبر تویم، ستمگران و غاصبان حق ما را در هم شکن که تو شنوای اجابت کننده ای.»⁽¹¹⁴⁾

156- استجاب دعا نزد رکن یمانی

در بعضی از نسخه های منسوب به امام رضا علیه السلام آمده است: از امام حسین علیه السلام روایت شده که فرمود:

«رکن یمانی، دری از درهای بهشت است که خدای سبحان آن را از آن روزی که گشوده (نبسته و) بی بهره نساخته است، همانا بین این دو رکن حجرالاسود و یمانی، فرشته ای است که «هَجیر» نام دارد، او بر دعاهای اهل ایمان، آمین می گوید.»⁽¹¹⁵⁾

157- برکت دعای امام علیه السلام

امام حسین علیه السلام با کاروانی که در آن عده زیادی از مردم بودند به قصد زیارت خانه خدا از مدینه بیرون آمد. مردی از کاروان بیمار شد و به حضرت عرض کرد: دلم انار می خواهد.

حضرت علیه السلام (به سویی اشاره نمود و) فرمود:

«این باغی است که در آن میوه های گوناگون است. برو و هر چه می خواهی بخور.»

در حالی که قبلا کسی در آنجا آب و درخت و میوه ای به خاطر نداشت.

چون اهل کاروان، باغ را دیدند، داخل شدند و هر چه خواستند خوردند و چون بیرون آمدند باغ از دید آنها ناپدید شد. در همین هنگام آهویی را دیدند امام علیه السلام به آن اشاره فرمود و آهو آمد، سپس دستور داد تا کسی آن را ذبح کند، اما هیچ یک از استخوان هایش را نشکند، همگی از گوشت آن خوردند، پس حضرت علیه السلام دعایی خواند و آن آهو دوباره زنده شد، امام فرمود: «هر که می خواهد شیر بنوشد آن را بدوشد»، همگی از شیر آن نوشیدند و به برکت امام حسین علیه السلام و دعای او همه کاروان را کفایت کرد. سپس حضرت علیه السلام رو به آهو نمود فرمود:

«نوزادهایی داری که انتظارت را می کشند، برو و آنان را شیر ده.» آهو برگشت. (116)

158- دعا در قنوت

«اللهم منك البدء و لك المشية، و لك الحول و لك القوة، و انت الله الذى لا اله الا انت، جعلت قلوب اوليائك مسكنا لمشيتك و مكمنا لارادتك، و جعلت عقولهم مناصب اوامرک و نواهيک. فانت اذا شئت ما تشاء حرکت من اسرارهم کوامن ما ابظنت فيهم، و ابداءت من ارادتك على السنتهم ما افهمتهم به عنک فى عقودهم، بعقول تدعوك و تدعو اليک بحقائق ما منحتهم به، و انى لاء علم مما علمتنى مما انت المشكور، على ما منه اريتنى، و اليه آويتنى.

اللهم و انى مع ذلك كله عائد بحولک و قوتک، راض بحکمک الذى سقته الى فى علمک، جار بحيث اجریتنى، قاصد ما اممتنى، غير ضنين بنفسى فيما يرضیک عنى، اذ به قد رضيتنى، و لا قاصر بجهدى عما اليه ندبتنى، مسارح لما عرفتنى، شارع فيما اشترعتنى، مستبصر ما بصرتنى، مراغ ما ارعيتنى، فلا تخلنى من رعايتک، و لا تخرجنى من عنايتک، و لا تقعدنى عن حولک، و لا تخرجنى عن مقصد انال به ارادتك.

و اجعل على البصيرة مدرجتى، و على الهداية محجتى، و على الرشاد مسلکى، حتى تنيلى و تنيل بى امنيتى، و تحل بى على ما به اردتنى، و له خلقتنى و اليه آويتنى.

و اعذ اوليائك من الافتتان بى، و فتنهم برحمتک لرحمتک فى نعمتک تفتين الاجتباء، و الاستخلاص بسلوک طريقتى و اتباع منهجى، و الحقنى بالصالحين من آبائى و ذوى رحمى؛

پروردگارا! آغاز هر چیز از توست و اراده انجامش در اختیار تو، و نیرو و توان از آن توست، و تو خدایی هستی که معبودی جز تو نمی باشد، جان های اولیاییت را جایگاه اراده و محل مشیت خود مقرر فرمودی، و در افکارشان اوامر و نواهییت را قرار دادی، تا یک لحظه از یاد تو غافل نگردند.

و تو آنگاه که اراده امری را بنمایی، در افکارشان آنچه خود در آنها به ودیعت نهاده ای را به حرکت در آورده، و بر زبانشان آنچه خود به آنان تفهیم کرده ای را جاری می سازی، با عقل هایی که تو را خوانده و با حقایقی که به آنان ارزانی داشته ای به سوی تو

می خوانند، و من می دانم از آنچه به من آموخته ای، از چیزهایی که تو بر آنها شایسته سپاس می باشی، از چیزهایی که به من نشان داده ای و به سوی آن مرا پناه داده ای. خداوندا! و با این وجود به نیرو و توان تو پناهنده و به قضا و قَدَرَت که در علمت مرا در جهت آن قرار دادی، و در مسیر آن به حرکت در می آیم، و به آنچه تو بخواهی مصمم می گردم، راضی هستم، در حالی که به آنچه تو بدان از من خشنود می باشی بخیل نیستم، و از آنچه تو مرا بدان خوانده ای کوتاهی نمی کنم، و به آنچه مرا بدان آشنا ساخته ای سبقت نمی گیرم، و به آنچه تو مرا بدان آغاز نموده ای آغاز می نمایم، از راه هدایت تو هدایت می جویم، آنچه امر به رعایتش نمودی رعایت می نمایم، پس مرا از رعایتت خالی نما، از عنایتت خارج نساز، و مرا از فیض رسیدن تاءبیدت عاجز و ناتوان قرار نده و از راهی که به خشنودی تو می رسم مرا خارج نکن.

حرکتت را بر اساس روشنگری، و راهم را با هدایت، و زندگی را قرین رشد و تعالی قرار ده، تا مرا هدایت نموده و دیگران نیز به وسیله من راهنمایی گردند، و در آنچه تو خواهان آن بوده و به جهت آن مرا خلق کرده ای، و به سوی آن پناه داده ای، مرا وارد سازی.

و اولیائت را از اینکه به وسیله من امتحان شوند در پناه خود گیر، و با رحمتت و در نعمت آنان را امتحان و آزمایش نما، آزمایشی که سبب برگزیدن آنها و پاک شدن آنها از زشتی ها و راهنمایی آنان به راهی که من رفته ام باشد، و مرا به پدران و خویشاوندان رستگارم ملحق نما.»

159- دعای برای طلب رغبت به آخرت

«اللهم ارزقنی الرغبه فی الآخرة، حتی اعرف صدق ذلك فی قلبی بالزهادة منی فی دنیای.
اللهم ارزقنی بصرا فی امر الآخرة، حتی اطلب الحسنات شوقا و افر من السيئات خوفا یا رب؛
خدایا! مرا به آخرت راغب و مشتاق گردان، تا آنگاه که وجود آن را با زهد و پارسایی
در امور دنیایی در خود احساس کنم.
پروردگارا! به من بینایی و شناخت در امور آخرت عطا کن، تا با شوق بسیار و از
جهت ترس تو به جای گناهان به دنبال کارهای نیک باشم.»

160- دعای در قنوت نماز وتر

«اللهم انک تری و لا تری، و انت بالمنظر الاعلی، و ان الیک الرجعی و ان لک الآخرة و الاولی،
اللهم انا نعوذ بک من ان نذل و نخزی؛
خداوندا! تو می بینی و دیده نمی شوی، و در جایگاه بلندی قرار داری، و بازگشت به
سوی توست، و دنیا و آخرت از آن تو می باشد، خداوندا! از اینکه ذلیل گشته و خوار
شویم به تو پناه می بریم.»

161- دعای دیگر قنوت

«اللهم من آوی الی ماءوی فانت ماءوی، و من لجاء الی ملجاء فانت ملجاء، اللهم صل علی
محمد و آل محمد و اسمع ندائی و اجب دعائی، و اجعل عندک مآبی و مٹوای، و احرسنی فی بلوای
من افتنان الامتحان و لمة الشیطان، بعظمتک الی لا یشوبها ولع نفس بتفتین، و لا وارد طیف بتظنین،
و لا یلم بها فرج، حتی تقلبنی الیک بارادتک غیر ظنین و لا مظنون، و لا مراب و لا مراتب، انک انت
ارحم الراحمین؛

پروردگارا! هر که به پناهگاهی پناه جوید تو پناهم می باشی، و هر که به پناهگاهی
پناه گیرد تو پناهگام می باشی، خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و ندایم را
بشنو و دعایم را اجابت نما، و مقر و جایگاهم را نزد خودت قرار ده، و در مواضع امتحان

مرا از لغزش به جهت آنها و گمراهی به وسیله شیطان باز دار، به حق عظمتت که تکذیب انسانی و خیال پردازی در آن مؤثر واقع نشده و امری از آن خالی نمی باشد، تا اینکه مرا به اراده و مشیتت به سوی خود بازگردانی، بدون آنکه نسبت به تو مشکوک و مظنون بوده و رحمتت را مورد شبهه و شک قرار دهم، به درستی که تو مهربان ترین مهربانانی.»

162- دعای سجده شکر

«سیدی و مولای! المقامع الحديد خلقت اعضائی، ام لشرب الحمیم خلقت امعائی، الهی لئن طالبتی بذنوبی لاطالبنک بکرمک، و لئن حبستنی مع الخاطئين لاخبرنهم بحبی لک، سیدی! ان طاعتی لا تنفعک و معصیتی لا تضرک فهب لی ما لا ینفعک، و اغفر لی ما لا یضرک، فانک ارحم الراحمین؛ ای آقا و مولایم! آیا برای گرزهای آتشین اعضای بدنم را خلق کرده ای، یا اندام درونیم را برای نوشیدن آب های گرم جهنم خلق نموده ای، خداوندا! اگر مرا به گناهان بازخواست کنی من تو را به کرم و بخشش می خوانم، و اگر مرا با خطاکاران قرار دهی دوستیم نسبت به تو را به اطلاع آنان می رسانم، ای آقایم! طاعتم تو را بهره ای نداده و گناهم به تو ضرری نمی رساند، پس آنچه به تو سود و بهره ای نمی رساند را به من عنایت کن و آنچه به تو ضرر نمی رساند را از من ببخشای، به درستی که تو مهربان ترین مهربانانی.»

163- دعای آن حضرت در صبح و شب

«بسم الله الرحمن الرحيم، بسم الله، و بالله، و من الله، و الی الله، و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله، و توکلت علی الله، و لا حول و لا قوة الا بالله العظیم.

اللهم انی اسلمت نفسی الیک، و وجهت وجهی الیک، و فوضت امری الیک، ایاک اساءل العافیة من کل سوء فی الدنيا و الاخرة.

اللهم انک تکفینی من کل احد، و لا یکفینی احد منک، فاکفنی من کل احد ما اخاف و احذر، و اجعل لی من امری فرجا و مخرجا، انک تعلم و لا اعلم، و تقدر و لا اقدر، و انت علی کل شیء قدير، برحمتک یا ارحم الراحمین؛

به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خدا و به یاد او، و از خداوند و بسوی او، و در راه او، بر مذهب رسول او، و بر خداوند توکل کردم، و نیرو و قدرتی جز به اراده خداوند بزرگ نیست.

پروردگارا! جانم را به تو تسلیت کرده، و چهره ام را به سوی تو گردانده، و کارم را به تو تفویض کردم، و از تو عافیت و سلامتی از هر بدی در دنیا و آخرت را خواهانم. پروردگارا! تو مرا از هر کس کفایت کرده، و هیچ کس مرا از تو کفایت نمی کند، پس مرا از موارد ترس و هراس از هر که باشد کفایت فرما، و در کارم راه گشایش و رهایی قرار ده، به درستی که تو می دانی و من نمی دانم، و تو توانایی و من قادر نیستم، و تو بر هر کار توانایی، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.»

164- دعا در مسجد پیامبر

در مسجد پیامبر ﷺ به مناجات و دعا نشست و چنین سرود:
«خداوندا! اگر مرا به گناهانم مورد بازخواست قرار دهی، من تو را به کرمی طلب می کنم.»

اگر مرا در شمار خطاکاران درآوردی، اعلام می کنم که ترا دوست می دارم، ای خدا و آقای من! طاعت من نفعی متوجه تو نمی کند، و معصیت من به تو زیان نمی رساند، خدایا! اگر کوتاهی است در گذر که تو مهربان ترین مهربانانی. ⁽¹¹⁷⁾»

165- دعا برای بهشت

«اللهم اجعل الجنة لنا و لاشیاعنا منزلا کریم انک علی کل شیء قدير؛
خداوندا! بهشت را برای ما و شیعیانمان مکانی ارزشمند قرار ده، به درستی که تو بر هر کار توانایی.»

166- دعا برای نمازگزار

دعای امام حسین علیه السلام برای ابو ثمامه صیداوی:

«جعلک الله من المصلین الذاکرین؛

خداوند تو را از نمازگزارانی که به یاد خدا هستند قرار دهد. ⁽¹¹⁸⁾»

167- عاشق دعا

امام حسین علیه السلام اهل دعا بود. با خدا رابطه ذکر و مناجات بسیار داشت. دعای عرفه او معروف است و اگر از حسین علیه السلام اثری جز همین دعا باقی نمی ماند به تنهایی کفایت از آن داشت که او را در جهان عرفان و ادب، معروف نموده و او را در بالاترین سطح ایمان و اخلاق معرفی کند. او دریایی از عرفان و خدانشناسی و در عرصه اظهار ارادات و خلوص به پیشگاه خدای متعال هنوز فریاد و ندای «یا رب یا رب» او، در عرصه منا و عرفات به گوش اهل دل می آید، هنوز ندای اللهم او در گوش اقران و بزرگان طنین انداز است.

هنوز صدای زمزمه و ضجه و ناله او در ملکوت اعلی وجود دارد و پاکان و نیکان آنها را می شنوند.

سراسر شب های عمرش، به ویژه شب عاشورایش، شب قدر بود و شب دعا بود و شب مناجات بود و شب اشک و آه و ناله بود، و هر یا رب و یا الله او معادل عبادت همه قدسیان بود. چه کسی می تواند چون حسین خدای را بخواند و چون او به پیشگاه مقدسش عرض ارادت کند؟

در مکه و در مقام ابراهیم صورت بر آن مقام می نهاد و می گفت: خدایا! بنده کوچکت به درگاه تو روی آورده، گدای تو به درگاه تست، مستمند تو به سوی تو روی آورد.

«عبیدک بیابک، سائلک بیابک، مسکینک بیابک...» ⁽¹¹⁹⁾

168- طلب باران توسط امام حسین علیه السلام

حمیری، از ابوالبختری، از امام صادق، از امام باقر، از امام سجاد علیهم السلام نقل کرده که فرمود: عده ای نزد علی بن ابی طالب علیه السلام آمده از کمی باران شکایت کردند و گفتند: ای ابالحسن! در طلب باران، برای ما دعاهایی بکن.

علی علیه السلام، به حسین علیه السلام فرمود: در طلب باران برای ما دعاهایی بکن.

حسین علیه السلام (رو به خدا آورده) عرض کرد: بارالها! ای بخشنده خیرات از چشمه هایش! و ای نازل کننده رحمت ها از کان هایش! و ای روان کننده برکات بر اهلش! باران فریادرس از توست و تو فریادرس و پناهی، ما خطاکار و اهل گناهییم و تو آمرزش خواه آمرزنده ای، هیچ معبود به حقی جز تو نیست، بارالها! آسمان را در این لحظه بر ما سرشار ببار و از باران پی در پی و پرریزش، بارانی فریادرس، گشایش دهنده فراگیر، پیوسته، گوارا، حاصلخیز و فراوان، پرموج، پرخروش، ریزان، تند و سخت، روان، سیل آسا، پردامنه، لبریزساز چشمه ها و آبگیرها ما را سیراب فرما، بارانی که بر چهره زمین راه افتاده، یکی دیگری را پیش براند و دانه ای از پی دانه دیگر رسد، برقش بی بار و رعدش دروغین نباشد، تا با آن بندگان ناتوانت را نیرو بخشی و زمین های مرده را زنده کنی، و ارتفاعات تپه ها و بلندی ها را شاداب سازی و منت هایت را بر ما ببخشایی، آمین ای پروردگار جهانیان!»

آن بزرگوار نیایش خود را به پایان نبرد مگر اینکه خدای متعال باران پربار آسمان را بر آنان نازل کرد.

از سلمان پرسیدند: ای ابا عبدالله! آیا این دعاها را به او آموخته اند؟

سلمان گفت: وای بر شما! چرا سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله را به یاد نمی آورید که فرمود:

هر آینه خدا فروغ های حکمت را بر زبان اهل بیت من روان ساخته است. ⁽¹²⁰⁾

پی نوشت ها

- 1- بحارالانوار، ج 82، ص 311.
- 2- جامع الاخبار، ص 76.
- 3- بحارالانوار، ج 83، ص 210.
- 4- وسائل الشیعه، ج 3، ص 434.
- 5- نفس المهموم، 104.
- 6- احقاق الحق، ج 11، ص 433.
- 7- موسوعه کلمات الامام الحسین، ص 686.
- 8- فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص 630.
- 9- فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص 806.
- 10- فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص 733.
- 11- مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 65. شفاعت امام حسین علیه السلام، 53.
- 12- بحارالانوار، ج 44، 195.
- 13- موسوعه کلمات الامام الحسین، ص 133.
- 14- بحارالانوار، ج 44، ص 202.
- 15- بحارالانوار، ص 149.
- 16- مقتل الحسین، ج 1، ص 186.
- 17- فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص 370.
- 18- در مکتب مهتر شهیدان، ص 143.
- 19- بگذار تا ببویم، ص 26.
- 20- القمقام الزخار، ج 1، ص 76.
- 21- مناقب ابن شهر آشوب، ج 2، ص 388.
- 22- نفثه المصور، شیخ عباس قمی.
- 23- بحارالانوار، ج 10، ص 317.
- 24- احتجاج، ج 2، ص 88.
- 25- به نقل از امام حسین، بحارالانوار، ج 44، ص 194.

- 26- بحارالانوار، ج 44، ص 191.
- 27- بحارالانوار، ج 44، ص 392.
- 28- بحارالانوار، ج 45، ص 121 و 188.
- 29- بحارالانوار، ج 57، ص 110.
- 30- بحارالانوار، ج 77، ص 304.
- 31- مقتل الحسين، مقرر، ص 256.
- 32- شيخ صدوق، ص 44.
- 33- دمع السجوم، ص 118.
- 34- گفتارهای معنوی، ص 130.
- 35- نفس المهموم، ص 104.
- 36- زندگانی امام حسين عليه السلام، رسولي محلاتي، 398.
- 37- اذان نغمه آسماني، 88.
- 38- بحارالانوار، ج 44، ص 314.
- 39- سخنان حسين بن علي عليه السلام، ص 101.
- 40- لهوف، ص 96.
- 41- زندگانی امام حسين، سيد هاشم محلاتي، 433.
- 42- من لا يحضره الفقيه، ج 1، باب 30، حديث 12.
- 43- گفتارهای معنوی، ص 102.
- 44- صحيفة الحسين، 98.
- 45- صحيفه الحسين، 100.
- 46- در مکتب مهتر شهيدان، ص 426.
- 47- طهارت، ص 759.
- 48- در مکتب مهتر شهيدان، ص 400.
- 49- در مکتب مهتر شهيدان، ص 391.
- 50- زيباترين شکست، 87.
- 51- رياحين الشريعة، ج 3، ص 62.
- 52- رياحين، الشريعة، ج 3، ص 62.
- 53- زينب كبرى، للنفدى، ص 50.

- 54- بحارالانوار، 83، ص 23.
- 55- مقتل الحسين، 294.
- 56- بحارالانوار، ج 100، ص 293.
- 57- سورة بقره، آیه 45.
- 58- محجة البيضاء، ج 1، ص 378.
- 59- انعام، 162.
- 60- وسائل الشيعه، ج 1. سخنان حسين بن علي عليه السلام، ص 199.
- 61- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام، ص 637.
- 62- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام، ص 750.
- 63- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام، ص 753.
- 64- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام، ص 750.
- 65- مستدرک الوسائل، ج 4، ص 189.
- 66- مستدرک الوسائل، ص 396.
- 67- كنز العمال، ج 8، ص 155.
- 68- موسوعة كلمات الامام الحسين، ص 745.
- 69- بحارالانوار، ج 74، ص 315.
- 70- وسائل الشريف المرتضى، ج 1، ص 222.
- 71- وسايل شريف المرتضى، ص 748.
- 72- المناقب لابن شهر آشوب، ج 4، ص 98.
- 73- لهوف، ص 12.
- 74- بحارالانوار، ج 71، ص 371.
- 75- مستدرک الوسائل، ج 11، ص 245.
- 76- مناقب لابن شهر آشوب، ج 4، ص 69.
- 77- بحارالانوار، ج 24، ص 166.
- 78- كلمه الامام حسن، ص 41، سخنان چهارده معصوم پيرامون نماز، ص 74.
- 79- جامع الاخبار، ص 48.
- 80- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام، ص 618.
- 81- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام، ص 578.

- 82- الكافي، ج 2، ص 447. سخنان چهارده معصوم پیرامون نماز، ص 73.
- 83- احقاق الحق، ج 18، ص 497.
- 84- تهذیب الاحکام، ج 6، ص 75.
- 85- وسائل الشیعه، ج 3، ص 608 - جامع، ج 2، ص 42.
- 86- طهارت روح، ص 214.
- 87- زمین و تربت امام حسین ص 63.
- 88- شفاعت امام حسین، ص 20.
- 89- بحارالانوار، ج 10، ص 51.
- 90- من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 268.
- 91- بحارالانوار، ج 85، ص 153.
- 92- بحارالانوار، ج 85، ص 158.
- 93- شفاعت امام حسین، ص 19.
- 94- شفاعت امام حسین علیه السلام، ص 20 - 21.
- 95- سوره اسراء، آیه 44.
- 96- شفاعت امام حسین علیه السلام، ص 21.
- 97- مصباح المتجهد شیخ طائفه (ره)، ص 678.
- 98- بحارالانوار، ج 101، ص 62. شفاعت امام حسین علیه السلام، ص 24.
- 99- 72 داستان از شفاعت امام حسین علیه السلام، ص 67.
- 100- شفاعت امام حسین علیه السلام، ص 72.
- 101- وقایع الایام، ج 2، ص 182. شفاعت امام حسین علیه السلام، ص 73.
- 102- در مکتب مهتر شهیدان، ص 228.
- 103- 72 داستان از شفاعت امام حسین علیه السلام، ص 72.
- 104- در مکتب مهتر شهیدان، ص 229.
- 105- کامل الزیارات، 248.
- 106- آثار و برکات، ص 81.
- 107- کامل الزیارات، 195.
- 108- فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص 760.
- 109- فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص 759.

- 110- داستانها، 2107.
- 111- صحيفة الحسين، ص 64.
- 112- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام، ص 464.
- 113- بحارالانوار، ج 44، ص 183. فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام، ص 711.
- 114- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام، ص 438.
- 115- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام، ص 773.
- 116- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام، ص 712.
- 117- در مکتب مهتر شهيدان، ص 145.
- 118- صحيفة الحسين، ص 106.
- 119- در مکتب مهتر شهيدان، ص 144.
- 120- فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام، ص 160.

فهرست مطالب

- 3..... پیشگفتار
- 5..... گزیده ای از زندگانی امام حسین علیه السلام
- 7..... فصل اول: جلوه نماز از ولادت تا کربلا
- 7..... 1- اذان و اقامه در گوش امام حسین علیه السلام
- 8..... 2- هزار رکعت نماز
- 8..... 3- وضوی امام حسین علیه السلام
- 8..... 4- سنت هفت بار تکبیر
- 9..... 5- نماز در یک لباس
- 9..... 6- عبور از جلوی نماز گزار
- 9..... 7- رکوع و سجده طولانی
- 10..... 8- تغییر رنگ صورت امام هنگام وضو
- 10..... 9- نماز تقیه
- 10..... 10- سفارش اهل بیت به نماز
- 12..... 11- تسلیم در برابر خدا
- 12..... 12- طواف و نماز پس از نماز عصر
- 13..... 13- انفاق بعد از نماز
- 15..... 14- روزه امام حسین علیه السلام
- 16..... 15- طلب باران
- 17..... 16- نماز و نفرین بر منافق
- 18..... 17- نماز و غسل علی علیه السلام
- 19..... 18- نماز کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله
- 20..... 19- دو رکعت نماز کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله
- 20..... 20- نماز جماعت

- 21- مناجات حضرت کنار مزار خدیجه 21
- 22- عبادت امام حسین علیه السلام از زبان دشمنان 22
- 23- همه چیز او عبادت بود 23
- 24- انس با مسجد 24
- 25- مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله 25
- 26- نماز بر پیکر پدر 26
- 27- انفاق بعد از نماز 27
- 27- زیارت قبر امام حسین علیه السلام 27
- 28- نماز بر دشمن نمی خوانم 28
- 28- بهترین کار بعد از نماز 28
- 30- مزد معلم 30
- 31- فصل دوم: جلوه نماز در کربلا 31
- 31- روز تبلور عبادت 31
- 32- اسوه عالی عبادت 32
- 33- چهار نوع نماز عاشقانه 33
- 35- شیرینی معرفت 35
- 36- همانند نماز فرشتگان 36
- 37- نماز، محبوب حسین علیه السلام 37
- 38- شهادت به خاطر احیای نماز 38
- 39- شهادت در حال نماز 39
- 40- به خاطر نماز جنگ را به تاخیر انداختند 40
- 41- سخنرانی بعد از نماز مغرب 41
- 42- شب معراج 42
- 43- تا صبح در حال عبادت 43
- 44- نماز جماعت شب عاشورا 44
- 45- تمام شب برای عبادت 45

- 46- اذان گفتن امام در صبح عاشورا 48
- 47- سخنرانی بعد از نماز صبح عاشورا 48
- 48- اذان برای ظهر عاشورا 49
- 49- موذن امام 49
- 50- یاد آوری وقت نماز ظهر 50
- 51- اولین شهید نماز در جبهه کربلا 52
- 52- جنگ بعد از نماز ظهر 53
- 53- نماز خوف در صحرای کربلا 54
- 54- دعا در آخرین لحظات روز عاشورا 55
- 55- علت تاخیر افتادن جنگ 57
- 56- یاد خدا تا لحظه شهادت 58
- 57- آخرین سجده خونین حسین علیه السلام 59
- 58- دعا قبل از شهادتش 60
- 59- توجه به خيام و نماز 60
- 60- دعوت به بهشت بعد از نماز ظهر 61
- 61- بهترین اصحاب امام حسین 62
- 62- نماز مسلم بن عقیل 64
- 63- مناجات یاران امام 65
- 64- ایمان و اخلاص یاران امام 66
- 65- نماز یکی از اصحاب امام حسین علیه السلام 67
- 66- خسته ناپذیر 68
- 67- نماز شب حضرت زینت 69
- 68- سفارش امام حسین به نماز شب 69
- فصل سوم: آثار و پیام نماز عاشورا 70
- 69- درس عبادت و بندگی 70
- 70- اهمیت نماز اول وقت 70

71	71- اقامه نماز
72	72- برپایی نماز جماعت
72	73- محافظت بر نماز
73	74- ترویج نماز
73	75- درس عمل به آیات نماز
73	76- درس احیای اذان
74	77- درس آزادی نماز و نمازگزار
74	78- استعانت از نماز
75	79- درس هدف داری
75	80- درس رمز و راز موفقیت
75	81- شهادت در حال نماز
77	82- درس امانت داری
77	83- درس احترام به مقدسات
78	84- درس اخلاص
78	85- درس شب زنده داری
79	86- درس غیرت دینی
79	87- حتی در جنگ، نماز ترک نشد
80	88- درس در همه حال به یاد خدا بودن
80	89- درسی به پیکارگران در راه حق
81	90- دفاع از نماز و نمازگزار
82	فصل چهارم: سخنان امام درباره نماز
82	91- تفسیر صمد
84	92- آداب دستشویی
84	93- تشریح اذان
85	94- وضوی پیامبر ﷺ
85	95- بسم الله بلند و آشکار

85	96- قنوت نماز
85	97- تشهد پیامبر ﷺ
87	98- ایمان و یقین
88	99- دادرسی مومن
89	100- نماز جمعه
89	101- بهترین عبادت
89	102- فواید روزه
89	103- امام حسین <small>علیه السلام</small> و نماز
90	104- پاداش عبادت
90	105- گریه از خشیت الهی
90	106- خوف از خدا
90	107- اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و اقامه نماز
90	108- زائران خدا
90	109- منظور آیه نماز شب
91	فصل پنجم: عشق امام به قرآن
91	110- قرآن بر چهار پایه استوار است
91	111- پاداش قرائت قرآن
92	112- تلاوت قرآن از سر امام
93	113- تلاوت قرآن در شام
94	114- تلاوت قرآن در نماز
94	115- پرورش با قرآن
95	فصل ششم: آثار تربت امام حسین <small>علیه السلام</small>
95	116- تسبیح با تربت امام حسین <small>علیه السلام</small>
95	117- تسبیح از مرقد امام حسین <small>علیه السلام</small>
96	118- بوی شهید با تربت امام حسین <small>علیه السلام</small>
97	119- اولین نمازگزار بر تربت امام حسین <small>علیه السلام</small>

- 120- همراه داشتن تربت امام حسین علیه السلام 97
- 121- صورت بر تربت امام حسین علیه السلام 97
- 122- سجده بر تربت امام حسین علیه السلام 98
- 123- شفا گرفتن از تربت امام حسین علیه السلام 98
- 124- تاثیر تربت امام علیه السلام در قبر 100
- 125- درست کردن تسبیح با تربت 100
- 126- ذکر با تربت امام حسین علیه السلام 101
- 127- عزا فرشتگان در کنار قبر امام حسین علیه السلام 101
- 128- شفای چشم 102
- 129- احترام امام زمان علیه السلام 102
- 130- بی احترامی به تربت امام حسین علیه السلام 104
- 131- قداست تربت امام حسین علیه السلام 106
- 132- برکت تربت امام حسین علیه السلام 107
- 133- سلام امام زمان علیه السلام بر تربت امام حسین علیه السلام 107
- فصل هفتم: نماز زیارت 108
- 134- تمام خواندن نماز 108
- 135- نماز زائر امام حسین 109
- 136- نماز حاجت 109
- 137- ماز بر رفع حوائج 109
- 138- نماز مقدس اردبیلی کنار قبر امام حسین علیه السلام 110
- فصل هشتم: آثار و برکات زیارت عاشورا 111
- 139- تعلیم زیارت عاشورا 111
- 140- سفارش امام صادق علیه السلام 112
- 141- سیره شیخ مرتضی انصاری رحمته الله 112
- 142- سیره میرزای قمی 113
- 143- سیره شهید قدوسی 113

- 113.....144- دریافت علوم خاص
- 114.....145- سیره میرزای محلاتی
- 114.....146- رفع بیماری و بلا
- 116.....147- مداومت به خواندن زیارت عاشورا
- 116.....148- توسعه رزق و روزی
- 116.....149- بهترین عمل برای سفر آخرت
- 117.....150- رفع گرفتاری
- 118.....151- شفای بیمار
- 119..... فصل نهم: مناجات و دعا
- 119.....152- زمزمه دعا در سجده
- 119.....153- دعای امام حسین علیه السلام هنگام صبح عاشورا
- 120.....154- نجات زنی به دعای امام علیه السلام
- 120.....155- اجابت دعای امام
- 121.....156- استجاب دعا نزد رکن یمانی
- 122.....157- برکت دعای امام علیه السلام
- 123.....158- دعا در قنوت
- 125.....159- دعای برای طلب رغبت به آخرت
- 125.....160- دعای در قنوت نماز وتر
- 125.....161- دعای دیگر قنوت
- 126.....162- دعای سجده شکر
- 126.....163- دعای آن حضرت در صبح و شب
- 127.....164- دعا در مسجد پیامبر
- 127.....165- دعا برای بهشت
- 128.....166- دعا برای نمازگزار
- 128.....167- عاشق دعا
- 129.....168- طلب باران توسط امام حسین علیه السلام

130..... پی نوشت ها